

اندیشه دین‌شناخت پیشرفت، اندیشه ولایتمند مدیریت تغییر احمد آکوچکیان^۱

چکیده

از چهار مؤلفه مفهومی نظام‌واره «نقشه جامع اندیشه و دانش دین‌شناخت پیشرفت»، اولین نگاهت، نگاهت ادراکی است که از جمله به چستی نظام جامع ادراکی معطوف به رشد، می‌پردازد. به سخنی دیگر، اولین دسته پرسش‌ها از «چستی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت»، پرسش از «خاستگاه ادراکی» آن است:

۱- برای ورود به پرداخت «نقشه جامع دانش دینی» از کجا باید آغاز کرد و از چه منظر به دانش دینی نگریست؟
۲- چه تلقی از دانش دینی، می‌تواند خاستگاه ورود به ایده نقشه جامع علمی، نقشه راه دانش دینی، و به تعبیری چشم‌انداز تحقیق و توسعه‌ای به دانش دینی باشد؟

این تحقیق برانست که دانش بنیان سند چشم‌انداز توسعه ۱۴۰۴، به مثابه چکیده عینیت‌نگر الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، فصل واسطی از سند راهبردی یا دکترین ملی تحقیق و توسعه نظام جمهوری اسلامی و متکای نقشه راه و جامع علمی و از جمله نقشه راه دانش دینی، همانا تفقه دردین است و بدینسان الگوی مدیریت راهبردی تحقیق و توسعه‌ای در چارچوب نظام ولایت فقیه، همانا راهبر به گفتمان تحقیق و توسعه تفقه‌محور است. نظام دانشی مبنای «ولایت تحقیق و توسعه‌ای فقیه» همین تفقه دردین است.

پاسخ‌های آغازین این چهار پرسش اینک:

۱- نفس پرداخت به چند و چون دانش دینی در مثل نقشه راه دانش دینی، اساساً پرداخت و کاوش و شناختی درجه دوم است که خود در دو وجه نظر سامان می‌یابد:

۱-۱- معرفت‌شناسی پسینی یا (apostriorie) یعنی به تاریخ معرفت دینی بنگریم و احکام و قوانین تحول و فراز و فرود تاریخی آن را تحلیل کنیم و دریابیم که اندیشه دینی در عرصه تحقق تاریخی خویش چه میزان بنیان راهبری تغییر در تاریخ تحولات جهان تمدن ایرانی - مسلمانی بوده است.

۱-۲- معرفت‌شناسی پیشینی: (apriorie) یعنی به تلقی خویش از معرفت و دانش دینی بپردازیم. اینکه دانش دینی، دانش معطوف به آرمان رشد و آیین و کیش نیل به آن و راهبری به سوی آن، تعریف می‌شود: اندیشه دینی، اندیشه ترقی و پیشرفت به سوی آرمان رشد است.

۲- پرسش‌ها و پاسخ اول در فصل مشترک خویش و دربرآیند خود، «اندیشه مبنای دولت دینی» را دارد. اندیشه و دانش مبنای راهبری تغییر، «اندیشه و دانش مبنای دولت دینی» نیز هست. دانش مبنای ولایت و تدبیر جهان، دانش مقصود نظر در «پروژه نقشه راه دانش دینی» است. خاستگاه ادراکی اصل ولایت و امامت علوی، «نگاشت ادراکی نقشه جامع دانش دینی» را توضیح می‌دهد.

^۱ دانشیار مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه (رشد) و استاد مدعو دانشگاه عالی دفاع ملی؛ با سپاس از پژوهشگر همکار رضوانه دستجانی

کلیدواژگان: اندیشه پیشرفت، اندیشه دین‌شناختی پیشرفت، تفقه در دین، ولایت فقه، ولایت فقیه، نقشه جامع علم

سرآغاز

پرداخت «سامانه جامع نقشه راه دانش دینی» در اولین پرداخت توصیفی از چیستی و مؤلفه‌های آن در گرو «تبیین مساحت و عمق دانش دینی» است، باید معین کنیم که:

۱- دانش دینی معطوف به چه موضوعی است و چه گستره‌ای از حوزه‌های ادراکی را شامل است و اینکه آیا فراگیر همه حوزه‌های ادراکی شناسای تغییر، رشد و راهبری تغییر به سوی آرمان رشد هست یا نیست؟ این پرسش در ابتدا «پرسشی فلسفه دینی» است تا بر مدار اصل انتظار از دین به تعریفی از دین دست یابیم که دانش به آن یا فرایند اندیشه در گستره آن در نسبت با آرمان یاد شده باز تعریف شود. هنگامی که دریافتیم انتظار از دین، هدایت به رشد تا مرتبه ارتقاء خودبانی جامعه تا مرحله خودتوانمندی دانش بنیان و عدالت‌محور تحقق آن آرمان است، می‌توان انتظار داشت که اندیشه دینی، اندیشه ترقی، پیشرفت و به زبان معین اندیشه هدایت به آرمان رشد مستند به منابع و مصادر دین - و به طور خاص عقل و وحی - است. در این صورت نظام ادراکی معطوف به رشد، سامانه جامعی از انواع حوزه‌های شناختی معطوف به آرمان یاد شده اما در جایگاه معرفت‌شناختی خاص خویش است با روش‌شناسی معین، موضوع خاص و در نسبت با هدف شناختی یاد شده.

۲- افزون بر گستره شناختی، خاصیت فرانظری معرفت و به تعبیری عمق راهبردی معرفت دینی مورد توجه است، اینکه سامانه جامع ادراکات درون دینی چگونه از نظر تا اقدام فردی - اجتماعی تا مدیریت تحقیق و توسعه‌ای و به تعبیری از حکمت نظری تا حکمت عملی را پوشش می‌دهد، در این صورت سامانه جامع ادراکات درون دینی در یک هرم بزرگ شناختی شامل دو دسته گزاره‌های اخباری (در حوزه ادراکات حقیقی) و گزاره‌های انشایی (در حوزه ادراکات اعتباری) از مبانی خاص فلسفه دینی، معرفت‌شناختی تا دانش جاری بر فرایند تحقیق و توسعه جامع نگر (انسانی و پایدار) را شامل است پس به این قرار می‌توان از گفتمان تحقیق و توسعه دانش دینی بنیان، و بعداً در خواهیم یافت که می‌توان از «گفتمان تحقیق و توسعه تفقه در دین‌محور» یا «تحقیق و توسعه حکمت بنیان» می‌توان سخن راند و بدین‌سان از ایده «ولایت اندیشه - دانش دینی» و به سخنی دیگر از ایده «ولایت تفقه در دین» به ایده «ولایت فقیه در دین» راه می‌بریم.

۳- در اولین نگاهت از نقشه راه دانش دینی بایستی به «چیستی و مؤلفه‌های این سامانه ادراکی»، آگاهی افزون‌تری داشت. ماهیت این بحث ماهیتی معرفت‌شناسانه است، شاید که این گونه تحلیل، طلیعه همان «فقه در علم»^۲ باشد: «اللهم اعطنی بصیره فی دینک و فهماً فی حکمک و فقهاً فی علمک»^۳ ورود به «نگاشت نهادی نقشه جامع دانش دینی» و سپس «نگاشت دانشی» و حتی «نگاشت تحقیق و توسعه‌ای نقشه راه دانش دینی»، به ناگزیر در گرو گذار از «نگاشت ادراکی» است چرا که:

^۲ - مرتبه ای از فهم معرفت‌شناسانه است ک با گذار از ایده کلاسیک کانتی از معرفت‌شناسی و نیز از پرداخت جدید فراگیر سه حوزه روانشناسی، زیست‌شناسی و معرفت‌شناسی، جنسی از فهم معرفت‌شناسانه است که در زندگی نیز جاری است. «فقه» فهم جاری در زندگی است.

^۳ - امام سجاد (ع): دعای ابوحمزه ثمالی

۳-۱- تا مبحث «ولایت دانش» یا «دانش بنیانی مدیریت تحقیق و توسعه» و در فضای گفتمان درون دینی تا «تفقه در دین بنیانی نظریه دین‌شناختی دولت» و اندیشه مدیریت تحقیق و توسعه، مبرهن و مبین نشده باشد، نوبت به پرداخت نظام مأموریت دین‌شناختی نهاد مدیریت دانش و نهاد ملی نظام علوم، تحقیقات، فرهنگ، هنر و فن‌آوری، نمی‌رسد؛

۳-۲- در فصل نگاشت دانشی نقشه راه دانش دینی از دو حوزه نظام آموزش و نظام تحقیقات سخن می‌رود، اینکه بخش آموزش حوزه فکر دینی دارای چه سامانه‌ای از رشته‌های آموزشی است از یک سو پیوسته با حوزه نیازهای ملی و تقاضاهای راهبردی معطوف به هدف برگزیده ملت - دولت، است؛ و از دیگر سو متکی بر قابلیت جریان فکری در گستره رشته‌های یاد شده است. اینکه فکر دینی آیا قابلیت جریان یافتن در سامانه جامع رشته‌های نهاد ملی دانش را دارد و نیز اینکه آیا اندیشه مزبور قابلیت پاسخ‌گویی به چالش‌های پیش روی نظام ملی مدیریت تحقیق و توسعه را دارد، تبیین پاسخ آن در فصل نگاشت ادراکی انجام می‌پذیرد؛

۳-۳- در عرصه نگاشت تحقیق و توسعه‌ای نیز به همین قرار، اینکه نهاد تولید دانش دینی یعنی حوزه‌های علمیه می‌توانند در فرایند تحقیق و توسعه ملی مشارکت ورزند، در گرو مبرهن شدن و تبیین شدن قابلیت ولایت نظام جامع فکری است. امکان حضور اندیشه دین‌شناختی ترقی یا گفتمان توسعه تفقه در دین محور، مقدمه معرفت‌شناختی لازم برای ورود به تحلیل فصل مشارکت تحقیق و توسعه‌ای حوزه فکر دینی است.

به اشارت اینکه:

۱- اندیشه دولت دینی و به تعبیری اندیشه دین‌شناختی دولت، در گذار معرفت‌شناختی اندیشه مدیریت راهبردی ترقی، از عصر سنت نبوی - علوی (امامت: در پیوند عینی عقل و وحی) به عصر اجتهاد (دانش برای ترقی) سنت‌بنیاد است.

۲- نگره مبنای تحلیل اینکه:

۱-۲- در اولین موج معرفت‌شناختی، اندیشه معطوف به تاریخ، مبنای تحلیل تاریخ دانش و به طور خاص اندیشه و دانش دینی، دیده می‌شد که در دومین موج معرفت‌شناختی در نزدیک‌ترین فاصله به راهبری عینیت (پیوستن ذهن و عین) ایده جهان دانش‌های میان‌رشته‌ای در میان می‌آیند.

۲-۲- «الگوی سند چشم‌انداز پیشرفت» سامانه‌ای از نظام ادراکی معطوف به رشد به الگوی جامع ارزش‌ها (مطلوب) و الگوی راهبری تحقیق و توسعه است.

۲-۳- اندیشه توسعه، همانا اندیشه پیشرفت و ترقی با لحاظ عنصر زمان و امکانات و به تعبیری اندیشه برنامه‌مند ترقی است. توسعه دانش‌بنیان (Knowledge based development)، به عنوان آخرین گفتمان اندیشه توسعه‌ای به منش دانش توسعه‌ای - راهبری توسعه‌ای تأکید می‌کند. الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت باید بتواند به الگوی تحقیق و توسعه‌ای پیشرفت بینجامد. دانش مبنای ترقی دانش راهبری توسعه‌ای نیز هست.

۲-۴- بر مبنای اندیشه امامت علوی، در تاریخ دانش مسلمانان، دانش مبنای راهبری و تدبیر تحول و زعامت سیاسی، فقه در احکام - یا فقه تشریعیات رفتاری - برگرفته‌شده و دانش مبنای ولایت فقیه همانا این داشته دانشی و این قرائت معرفت‌شناختی از دانش دینی یعنی همانا «فقه در احکام» برگرفته شده است.

بدین روی مکتب مرسوم تحقیق و توسعه‌ای برگزیده امروز نظام جمهوری اسلامی، همانا «گفتمان تحقیق و توسعه تفقه در احکام محور» است.

۲-۵- دانش مبنای راهبری تغییر در آموزه‌های منابع (قرآن و حدیث و نیز عملکرد اولیا)، آخرین دستاوردهای دانشی، تجربیات سه دهه به ویژه دو دهه اخیر انقلاب اسلامی، دانش فراق احکام، یا نظام جامع ادراکی معطوف به رشد یا تفقه در دین است. دانش موضوع «نقشه راه» یا «نقشه جامع علمی دینی»، همین دانش جامع است.

۲-۶- «ولایت یا تدبیر فرایند ترقی و پیشرفت دین‌شناختی - ایران‌شناختی»، همانا «ولایت تفقه در دین» و «ولایت فقیه در دین» است. دانش مبنای پرداخت «منشور تفصیلی (دکترین) راهبردی تحقیق و توسعه ملی»، همانا «تفقه در دین» است و «گفتمان جمهوری اسلامی» نیز «گفتمان تحقیق و توسعه تفقه در دین محور» است.

۲-۷- فرایند تطور گفتمان‌های دوره به دوره اندیشه ولایت فقیه، از منظر اندیشه پیشرفت (اندیشه ترقی) یک تطور طولی را تا «گفتمان ولایت تفقه در دین محور»، نشان می‌دهد.

۲-۸- نظریه‌پردازی دانش مبنای دولت دینی، از اندیشه سیاسی شیعه و انقلاب اسلامی در آستانه دو جنبش پیوسته معرفت‌شناختی است؛ ابتدا جنبش گذار از فقه در احکام تا تفقه‌دردین و سپس جنبش میان‌رشته‌ای‌های تدبیر رشد (از جمله دو ایده اسلامی شدن علوم و تحول در علوم انسانی).

اندیشه دولت دینی و به تعبیری درست‌تر و عینی‌تر، اندیشه دین‌شناختی دولت (نظام جامع تربیت و سیاست) در دو وهله تاریخی از اندیشه امامت و اندیشه ولایت فقیه، در گذار روش‌شناختی اندیشه مدیریت تغییر و ترقی از عصر سنت نبوی - علوی (در پیوند عینی عقل و وحی) به «عصر اجتهاد سنت‌بنیاد» است.

برآمدن انتظار فکر ترقی در برآیند بینش معرفت‌شناختی به اندیشه دینی، گستردگی عرصه پرسش‌ها و چالش‌های پیش روی نظام متعامل با پرسش‌های جهان بین‌الملل، برآمدن دو موج معرفت‌شناختی در جهان معاصر و ضرورت نگاه به نسبت فقه در احکام و فقه تشریعیات با نظام کلان ادراکات دین‌شناختی و اقتضائات تحقیق و توسعه‌ای نظام جمهوری اسلامی - به مثابه عینیت اندیشه جامعه‌شناختی آموزه‌های دینی - ضرورت بازخوانی نسبت دو عرصه دانشی «فقه در احکام» و «تفقه در دین» را به مثابه بنیان‌تئوریک نظام و اندیشه ولایت فقیه پیش می‌کشد.

«تفقه در دین»، همانا اندیشه دین‌شناختی فهم و راهبری تغییر، فهم جامع‌نگر دین‌پژوهی معطوف به آرمان رشد منجر به راهبری - انذار و دانایی‌بنیاد - جامعه مخاطب تا مرحله خودتوانمندی عدالت‌بنیاد جامعه در خودبانی از کیان خویش و خواهانی توسعه‌ای (برنامه‌مند) رشد جامع‌نگر است. رویکرد اندیشه‌ای مزبور دارای مستند قرآنی - حدیثی جایگیر در بنیان اندیشه دین‌شناختی دولت است. اکنون وقت بازگشت از انصراف تاریخی تفقه در دین به تفقه در احکام، به نظام جامع ادراکی رشد است. سند چشم‌انداز توسعه ملی به مثابه نقشه اجمالی یا چکیده دکترین تحقیق و توسعه ملی، از این خاستگاه دانشی جامع برمی‌خیزد. در راستای این بازخوانی معرفت‌شناختی و مبتنی بر این خاستگاه، تئوری مبنای نظام جمهوری اسلامی و اندیشه ولایت فقیه، بازخوانی شایسته خویش را گرفته و راه برای ورود هماهنگ به دکترین تحقیق و توسعه ملی در سه سرفصل «نقشه جامع ملی»، «نقشه مهندسی تحقیق و توسعه فرهنگ» و «نقشه آموزش و پرورش» مهیا شده و با بازآرایی نظام حقوق اساسی، ایده مهندسی فکر دینی، به رویکرد مهندسی تحقیق و توسعه‌ای نظام

جمهوری اسلامی دست داده و با گذار تفصیلی از مبانی نظری - ارزشی سند چشم‌انداز، راه برای ورود هماهنگ به نظام اهداف عملیاتی - سیاست‌ها و راهبردهای توسعه ملی هموار می‌گردد.

باری، موج دوم معرفت‌شناختی پرسش از چرایی، چیستی و چگونگی اندیشه دولت دینی یا اندیشه ولایت فقیه آغاز شده است. گفتمان تدبیر تحول و به طور خاص گفتمان سیاسی شیعه پس از گذار چند مرحله‌ای از عصر غیبت با انقلاب اسلامی و شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی و اکنون پس از گذار از تنوع عنصرگرایی انواع نظریه‌ها و در نقطه مشترک این انواع، و در تعامل با آخرین دستاوردهای اندیشه ترقی، در آستانه گفتمان معرفت‌شناختی - تجربی تازه‌ای قرار گرفته است. در پرسش از نظریه حاکمیت در بنیان آن، پرسش از اندیشه فقه اجتهادی است. پرسش از رأی برگزیده اندیشه اجتهادی این قلم در مجال خودیافته‌ای به نظریه برگزیده خویش در «تبیین اندیشه فقه جامع اجتهاد به مثابه بنیان اندیشه دولت دینی به ویژه در نسبت میان‌رشته‌ای با اندیشه نهاد ملی دانش (حوزه و دانشگاه) جدید» انجامیده است. نظریه برگزیده این مقاله پیشنهادی برای منظر و اندیشه اجتهادی ناگزیر دولت دینی در جهان امروز ایرانی - اسلامی تلقی می‌شود.

رویکرد این پژوهش، نقیض یک مبنای بازخوانی شده برای بنیان معرفت‌شناختی نظام جمهوری اسلامی و خاستگاه ادراکی نقشه راه دانش دینی است. آموزه اصیل این بخش آنست که: دیدگاه جامع فقهی - تفقه در دین به مثابه یک سامانه جامع - و نه تفقه در احکام - به مثابه جزئی نظام واره از آن نظام جامع ادراکی - می‌تواند خاستگاه دانشی نقشه‌راه و اندیشه مدیریت راهبردی نظام باشد؛ و نقشه جامع دانش دینی مبتنی بر همین چشم‌انداز طراحی می‌شود. ایده ولایت فقیه نیز از این منظر، پوشش‌دهنده اندیشه دین‌شناختی دولت تحقیق و توسعه‌ای است.

اولین فصل تحلیلی نقشه راه تولید دانش دینی، نوع تلقی از دانش دینی به مثابه بنیاد دانشی مدیریت تغییر و تحول است. به سخنی دیگر آن دانش و فقهات ولایت‌دار و متکفل تدبیر امور کدام است؟ چیستی آن دانش دینی موضوع تحلیل نگاشت ادراکی نقشه راه است. ملاحظه می‌شود که ماهیت مباحثات این نگاشت، درجه دوم یا معرفت‌شناختی است.

اندیشه ترقی و دانش تمدنی، بر بنیان چه دانشی و چه نظام ادراکی در فضای نظام اسلامی، شکل می‌گیرد؟ عرصه‌های دانشی میان‌رشته‌ای درون دینی مبنای راهبری تغییر، متکی بر چه نگاشتی از دانش دینی هستند؟

داشته ستبر و پرمایه حوزه‌های دینی به عنوان خاستگاه سامان‌دهی و بسط نظام‌واره دانش‌های در اختیار خویش و دانش مبنای مدیریت تحول و متعلق نقشه راه برای ورود به عرصه برنامه‌ریزی توسعه‌ای و راهبری تحقیق و توسعه‌ای جامعه مخاطب، همانا دانش «فقه جامع» است، دانش پژوهان و نظام مدیریت ملی برای تدبیر سلوک اندیشه‌ای و مدیریت دین‌شناختی خویش به این دانش مبنای نیازمنداند. شایسته آن باشد که برای دانستن این دانش:

۱- در گام اول، مفاهیم پیوسته و جایگاه آن را در نظام ادراکی راهبر تغییر و سپس نظام تحقیق و توسعه

دریابیم،

۲- تا بتوان در گفتارهای دیگری بنیان اندیشه‌ای آن را یعنی مبانی نظری یا مبانی حکمی فقه جامع را دریابیم و نیز بتوان از بنیان‌های این ایده آموخته‌های شایسته‌تری داشت که بی‌خودآگاه و بی‌مبهرن نمودن

مبانی استنباطی، روشمندی و اتقان فرایند استنباط به سستی می‌گراید، و راه‌گذار از طراحی سیستمی الگوی مطلوب برای ورود به فرایند تحقیق و توسعه ملی نیز به بوته اجمال و ابهام و نارسایی می‌رود.

۳- و البته نسبت این دانش با فرایند تحقیق و توسعه ملی دیده شود.

مدخل‌آشنایی آغازین با فقه جامع، دانستن دو فصل است:

در ۱- فصل اول: تعاریف و مفاهیم عملیاتی فقه جامع است.

۲- فصل دوم: انواع حوزه‌های معرفتی مانند کلام، فقه احکام، روانشناسی و جامعه‌شناسی دینی، اخلاق و عرفان و... در جغرافیای تفقه در دین و به طور خاص جایگاه دانش خاص فقه در دانش سیستمی و کلان حکمت یا تفقه در دین. در این فصل عضو سیستم در کل سیستم بازخوانی می‌شود.

تأکید بر این واژه از منظر فهم سامانه‌ای دانش‌های دینی و گذار به مبحث نظریه دولت دینی و جریان ولایت دانش دینی در نظام ولایت فقیه، دانسته تر می‌شود. تحلیل چستی و مؤلفه‌های نقشه راه تولد دانش دینی، در اولین گام محتاج این تأمل معرفت‌شناسانه است.

۱- اندیشه تدبیر راهبردی نظام، در بنیان معرفت‌شناختی، همانا اندیشه ترقی

اندیشه دینی و به این قرار دانش دینی (شناخت دینی و بر بنیان آن، شناخت موضوع حیات و راهبری آنها) در داوری پیشینی معرفت‌شناسانه اندیشه و دانش ترقی مستند به منابع و مصادر دین (به طور خاص عقل و وحی) و در برآیند آن (سنت اولیا)، است.

پیشینه تاریخی ایده نقشه جامع در چارچوب اندیشه دولت، - اندیشه مدیریت تحول در آخرین گفتمان از اندیشه توسعه یعنی گفتمان توسعه دانش بنیان برآمده و قابل پی‌جویی است، اندیشه توسعه نیز خود دومین قرائت از فکر ترقی است، روش‌شناسی این گذار برای دیگر عرصه‌های تمدنی نیز قابل توجه و آزمون است، تجربه اخیر اینک و در تجربه انقلاب اسلامی نیز به آزمون درآمده است:

۱- در سال ۱۳۵۷ انقلاب سیاسی شکل گرفت؛

۲- قرار بخشی و قراردعی انقلاب سیاسی ضرورت انقلاب فرهنگی را پیش‌روی آورد، انقلاب سیاسی در خاستگاه فرهنگی خویش نیاز به استقرار داشت؛

۳- بیست و اندی سال برد تا مدیریت نظام و نخبگان اندیشه‌ای نظام دریابند که انقلاب فرهنگی حاجتمند جنبش تولید علم است، و با فاصله‌ای دریافته شد که جنبش تولید علم نیز در گرو جنبش و بسط مرزهای دانش یا اهتمام به جنبش نظریه‌پردازی و نهضت نرم‌افزاری، است؛

۴- همراه با این فرایند سه‌دهه‌ای، گفتمان توسعه دانایی محور در لایحه برنامه چهارم توسعه مورد توجه قرار گرفت و بر این اساس سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ کارکرد روش‌شناسی مدیریت راهبردی و تحقیق و توسعه را نشان داده و جریان کلان ضرورت‌ها، راهبر عملی به بازخوانی ایده ولایت فقیه گردیده است، بی‌آنکه کارکرد تحقیق و توسعه‌ای نظریه مزبور در میدان معنی‌شناختی آن دیده شود؛

۵- رهاورد رویکرد راهبردی به مقوله تحقیق و توسعه درونزا، سند چشم‌انداز توسعه ایران ۱۴۰۴ بود و تحقق آن در گرو عینیت آن در سه عرصه نقشه جامع علمی، نقشه جامع آموزش و پرورش، نقشه جامع مهندسی فرهنگی به درستی دریافته شد؛

۶- و اینک و در همین ایام در نقطه کانونی «جنبش تولید علم»، رویکرد ملی به «سند چشم‌انداز توسعه» از منظر نقش مدیریت راهبردی و سه سرفصل برجسته منشور ملی توسعه (و به طور خاص نقشه جامع

علمی)، ایده‌اندیشه و الگوی پیشرفت ایرانی - اسلامی در میان آمده است، رخدادی که در آغاز انقلاب اسلامی ظهور و بروز آن، ضرورتی راهبردی داشت، تا بر بنیان آن، گفتمان دین‌شناختی و ملی تحقیق و توسعه‌ای برآید و اندیشه‌ولایت فقیه به مثابه «اندیشه‌مدیریت دین‌شناختی تحقیق و توسعه‌ای تفقه در دین محور (دانش بنیان)»، مجال مناسب ظهور و تحقق خویش را داشته باشد.

با آنچه گذشت نظام جمهوری اسلامی سه دهه واندی نیازمند آن بود تا در این نقطه آغاز فهم معرفت‌شناسانه‌اندیشه دینی قرار گیرد که اندیشه دینی همانا اندیشه ترقی و پیشرفت است که تعبیر زمانمند آن، تعبیر برنامه‌مند آن، همانا اندیشه توسعه می‌باشد.

اما فرایند تحلیل؛ نقطه‌های قابل تأمل برای نیل به این نقطه معرفت‌شناختی:

- ۱- بازخوانی گستره چالش‌های جهان معاصر و دریافت فصل مشترک این چالش‌ها یعنی اندیشه حیات
- ۲- دریافت اندیشه ترقی در نقطه کانونی اندیشه حیات معقول
- ۳- بازتعریف اندیشه ترقی و مروری بر دو تجربه غربی و ایران معاصر آن
- ۴- تطور گفتمان‌های اندیشه ترقی تا فصل گفتمان توسعه‌ای دانش بنیاد
- ۵- سند چشم انداز توسعه ۱۴۰۴ مستند آغازین نقشه جامع علمی است.
- ۶- اندیشه ترقی مفصل نسبت نظر و عمل و رویکرد تحقیق و توسعه‌ای به چالش‌های جهان پیش‌رو و پرسش از آیین تغییر است.

ایده «الگوی پیشرفت ایرانی، اسلامی»، ایامی است در میان آمده^۴، در تحلیل اجمالی از ساختار ایده مزبور شامل مبانی اندیشه‌ای یا نظام جامع ادراکی معطوف به رشد، الگوی مطلوب (ارزشی - هنجاری) و الگوی عملی تحقیق و توسعه راهبردی است. دانش مبنای نقشه راه، دانش جامع همین الگوی دین‌شناختی پیشرفت (رشد-توسعه)، می‌باشد.

از منظر ضرورت پرداخت گفتمان مبنای تحقیق و توسعه دین‌شناختی جهان ایرانی برای ورود به جهان جدید به موضوع نقشه راه دانش دینی بنگرید:

۱- سند چشم‌انداز را تحلیل کنید در همین ساختار تحلیل می‌شود. رهبری نظام به آن بینش و این الگوی به صورت عملی رسیده است.

۲- بنیان ایده الگوی پیشرفت به اندیشه ترقی است که در اولین موج معرفت‌شناختی، اندیشه دینی و تاریخ دانشی مسلمانان دریافته می‌شود. این تجربه را به صورت روشمند از قرن ۱۸ با کانت تا برآمدن گفتمان توسعه دانش بنیاد مشاهده می‌کنیم

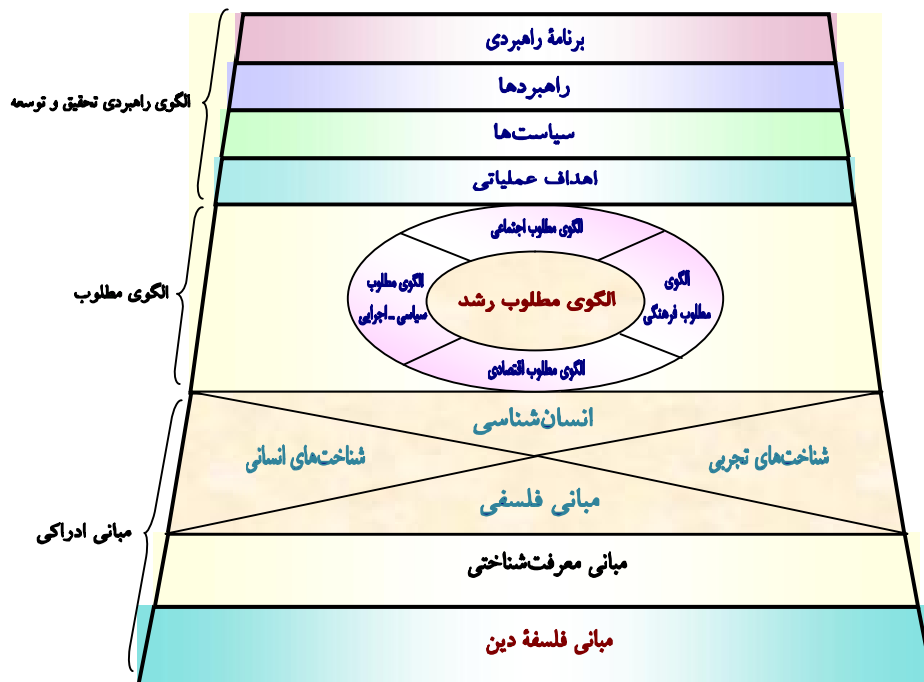
۳- سطوح پرسش‌های پیش روی اندیشه ترقی، اندیشه تحول خلاق از پدیداری تغییر انسانی عبارتند از:
- لایه اول: پرسش از سرشت حیات زیستی، پرسش از عرصه انسان‌شناختی - روانشناختی، جامعه‌شناختی

- لایه جامع: پرسش از حیات معقول

- لایه آشکارگی جریان حیات و عرصه هنر

- و در کانون این سامانه جامع، اندیشه تحول خلاق، جای گرفته است. یک نظریه جامع رشد. فراگیر این لایه‌هاست.

۱- ن.ک. به: مقام معظم رهبری؛ ضرورت الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت؛ انتشارات معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی؛ ۱۳۸۸.



۴- اندیشه دولت دینی، اندیشه تدبیر فرایند جامع‌نگر رشد است (یهدی الی الرشد^۵، هم المفلحون^۶، یهدی للتی هی اقوم^۷...)، «اندیشه امامت» همین «اندیشه راهبری عینی و تحقیق و توسعه‌ای به رشد» است. ۵- اندیشه مدیریت راهبردی ترقی در راستای بازفهمی الگوی پیشرفت، شامل فرایندی از دیدگاه مبنا تا رسالت، تا آرمان، تا چشم‌انداز، تا مأموریت و به همراه فرایند شناخت وضعیت موجود (SWOT) تا نظام اهداف تا سیاست‌ها تا راهبردها تا نظام برنامه است.

۶- تدبیر برنامه‌مند راهبری در این فرایند ممکن است. سامانه جامع دانش معطوف به این فرایند کدام است؟ دین آیین (سامانه بینش، ارزش و روش‌های) رشد و شناخت این سامانه شناخت رشد و تجربه راهبری عینی آن است. این شناخت جامع همانا «تفقه در دین» است.

همین ایده بنیان اندیشه‌ای مدیریت راهبردی نظام جمهوری اسلامی است. از همین منظر دریافته می‌شود که اندیشه ولایت فقیه همانا اندیشه مدیریت دین‌شناختی راهبردی منجر به دکتین تحقیق و توسعه ملی و از جمله سند چشم‌انداز توسعه جامع‌نگر، همانا اندیشه معطوف به حیات جامع انسانی و در کانون آن اندیشه دین‌شناختی ترقی است. در این فصل با طرح خواهانی اندیشه مدیریت تغییر از اندیشه مرسوم ولایت فقیه تا زیرساز معرفت‌شناختی آن به دریافت اندیشه پژوهش اجتهادی نزدیک می‌شویم، و در می‌یابیم که نظام جمهوری اسلامی و جهان دانش ایرانی - اسلامی در آستانه قرائت تازه‌ای از اندیشه پژوهش اجتهادی در تداوم اندیشه اجتهادی آموزگاران چون، امام راحل، شیخ سیدمحمدباقر صدر، استاد شهید مطهری است.

اندیشه دین‌شناختی اجتهاد، اندیشه تفسیر حیات و گذار و ترقی به آرمان رشد برگزیده برای تدبیر آن‌هاست اندیشه درست و حقیقی (قرآنی و تفسیری سنت اولیای معصومین علیهم‌السلام) اجتهاد، فهم منجر

^۵ سوره جن/۲

^۶ سوره بقره/۵

^۷ سوره اسراء/۹

به راهبری روشمند حیات جامع انسانی و به سخنی اندیشه‌استجابت فراخوانی الهی - انبیایی به سرشت و نظام مطلوب حیات انسانی است: «یاایهاالذین آمنوا استجیبواالله وللرسول اذا دعاکم لما یحییکم»^۸. اندیشه‌اجتهاد مرسوم فقهی، یعنی کاوش استنباطی روشمند احکام فرعی الهی، در عرصه‌همین اندیشه‌حیات دریافته می‌شود. از دیگر سو با گذار از اندیشه‌ولایت فقه به اندیشه‌اجتهادی مبنای آن، ایده‌تازه‌ای از اندیشه‌اجتهادی سر برمی‌آورد که همانا اندیشه‌اجتهاد فقه جامع است که تا کنون به جز به صورت پراکنده به این میرم‌ترین و ضروری‌ترین و راهبردی‌ترین موضوع پژوهشی نظام جمهوری اسلامی پرداخته شده است. تجربه‌اندیشه‌تغییر، اقتضای قرائت تازه‌ای از اندیشه‌اجتهادی فقه را دارد.

جنبش علم آگاهی و معرفت‌شناختی معاصر، چشم‌انداز تحلیلی تازه‌ای به تاریخ معرفت را به دست داده است؛ «اندیشه‌ترقی» یا «فکر راهبر به تغییر»، این چشم‌انداز تحلیلی جدید است، اندیشه‌ترقی^۹ عبارت است از «تکاپوی فکری و اندیشه‌ای روشمند در عرصه‌های گوناگون ادراکی درباره‌چرایی‌ها و چگونگی‌های پیشرفت و ترقی مداوم و بی‌حد و حصر پدیدار در حرکت جامع (در لایه‌ها و وجوه و عرصه‌های) انسانی در صعود مستقیم از وضعیت موجود به سوی وضعیتی بهتر». این رویکرد و این منظر اندیشه‌ای در ادبیات قرآنی همان «اندیشه‌هدایت و راهبری به رشد» است؛ و دین اسلام همانا «آیین راهبری به رشد» تعریف می‌شود. پاسخ نظام واره به چالش‌های نوبه‌نوشونده جهان پیش رو و در گفتگوی مقایسه‌ای و انتقادی بین‌الادیانی و بین‌التمدنی با تجربه‌های اندیشه‌ای معاصر، عیار کارآمدی ترقی بخشی یک مکتب داعیه‌دار راهبری تغییر و ترقی شمرده می‌شود. اندیشه‌ترقی با لحاظ عنصر برنامه‌ریزی راهبردی در فضای هویتی هر ملت - دولت، اندیشه‌توسعه‌ای مقبول آن اقلیم محسوب می‌شود.

این قلم در آستانه‌پرداخت یک نظریه جامع‌نگر در باب اندیشه‌اجتهادی دین‌شناختی، به مثابه بنیان نظری ورود به جهان ایرانی بر بنیان ایده‌نوین دانش تمدنی است. فرایند گذار به این نظریه:

۱- مقوله‌تغییر و تحول، قابل نظام‌یابی مفهومی و روشی در عرصه‌های گوناگون زیستی، روانشناختی و علم‌الاجتماعی، است.

جریان اندیشگی درباره‌تحول خلاق و مقوله‌تغییر از خودآگاهی به تغییر آغاز شده و در تمامی فرایند اندیشه‌تحول خلاق، مضمون نهایی، خردورزی و حکمت تحول خواهد بود. بر بنیان اصل خودآگاهی تحول خلاق را در سه عرصه‌زیست‌شناسی، روانشناسی و علوم اجتماعی پی گرفتیم: سه مقوله‌سرشت حیات طبیعی، هستی خلاق تا اختیار خلاق و سپس واقعیت اجتماعی در تغییر.

جمع‌بندی سه عرصه‌یادشده در مقوله‌حیات معقول است. پرسش از تغییر معطوف به پدیدار انسانی شده و در مجموعه چرایی‌ها و چگونگی‌های حیات و معناداری آن برآیند می‌یابد و در متن آن و به مدد همان اصل خودآگاهی آغازین رهسپار پرسش اصیل انسانی می‌شویم؛ پرسش از «آرمان رشد» در سطح ژرفتر این تحلیل ملاک نهایی نقد مکاتب و ادیان است. کدام مکتب و دین، آیین و الگوی رشد و تغییر مطلوب است. در سرتاسر وجوه ولایه‌های یادشده به تدریج امر تحول خلاق به آرمان رشد بازتعریف می‌شود.

پس از این فصل و فهم اندرونی و تفصیلی پرسش محوری از تحول خلاق به عنوان ملاک نقد مکاتب و ادیان مدعی راهبری تغییر رویه‌دوم داعیه‌راهبری تغییر یعنی زبان‌داری و آشکارگی آن پی گرفته می‌شود.

^۸ - سورة انقال. آیه ۲۴

^۹ -Progress Idea

هنر آشکارگی و زبان‌داری زیباشناسانه تغییر خودی شده است. یک مکتب داعیه‌دار راهبری تغییر علاوه بر پیشنهاد راهبری تغییر باید بتواند آن را زبان‌دار کرده و در یک نظام زبانی زیباشناسانه آشکار سازد. و این بدان معناست که یک مکتب جامع‌نگر راهبری تغییر باید مکتب هنری خودویژه خویش را نیز پیشنهاد کند.^{۱۰}

۲- سیر تطور اندیشه تحول و ترقی در جهان بشری^{۱۱} تا دوره تمدنی آغازین خاستگاه مفهومی و لابشرطی ایدئولوژیک و نیز میدان معنی‌شناختی تمدنی آن و پس از ظهور و گزینش اسلام و سپس دوره‌های پس از آنها - در فرازها و فرودهای تمدنی - تا دوره معاصر، قرائت تمدنی دین‌شناختی اندیشه مزبور را به دست می‌دهد.

۳- از این تجربه اندیشه‌ای رهسپار فهم درونزای فکر ترقی شده و از درون سنت اندیشه دین‌شناختی تحول، گفتمان تفقه‌دردین برمی‌آید. تفقه‌دردین، فهمی معرفت‌شناختی از تغییر در بستر آموزه‌های دیانت محمدی است که رهسپار تفسیر و تدبیر تغییر می‌گردد. تفقه در دین گفتمان مبنای ورود به اندیشه درونزای ترقی در جهان ایرانی - اسلامی است.^{۱۲}

۴- نمادهای آغازین کارکرد اندیشه تازه مدیریت تحقیق و توسعه‌ای و میان‌رشته‌ای دانش در تحلیل و چاره‌جویی چالش‌های معاصر را در انقلاب دوم معرفت‌شناختی معاصر می‌توان ملاحظه نمود. این بینش جهانی مقدمات شایسته‌ای را با اندیشه «مدیریت تحقیق و توسعه دانش‌بنیان» در اختیار می‌گذارد.

۵- اندیشه مبنای نظریه جمهوری اسلامی ایران متکفل پاسخ به چالش‌های جهان پیش رو، است. در این مجال و در چشم‌انداز خواهانی بنیادین سه‌وجهی ما (عرصه زیست‌بوم، روانشناختی و علم‌الاجتماع و آشکارگی آن در عرصه هنر) وضعیت چالش‌های جهان معاصر به عنوان آخرین قرائت از خواهانی بشری تغییر، مرور می‌شود. ملاحظه می‌شود کفه چالش‌های راهبردی فصل علم‌الاجتماعی حیات پیش رو، چشمگیر می‌نماید.

ما در پایان این پژوهش، تازه در آغاز یک پرسش قرار می‌گیریم. «مکتب سره و کارآمد تفسیر و راهبری تغییر، ترقی و رشد کدام است؟ پژوهش پیش رو خواهانی خودآگاه رشد را با ادبیات معاصر و تاریخی و بشری اندکی منقح نمود. ما در آستانه نظریه حاکمیت نبوی - علوی رشد ایستاده‌ایم. نظریه ولایت تفقه در دین و ولایت فقیه در دین، پس از این مجال، و اندیشه اجتهادی فقه جامع در همین عرصه، قابلیت طرح و بسط می‌یابد. کوتاه آنکه بینش مبنای این تحقیق، بیرون‌دینی یا فلسفه دینی و از منظر تحلیل «انتظار از دین» است و تحلیل درون‌دینی یا کلامی آن به مکتوبی پس از این ارجاع می‌شود. تفسیر تحلیلی دین از منظر خواهانی تحلیل شده این تحقیق و از منظر این صبغه شناختی رهسپار تفسیر و تدبیر تحول خلاق شدن و تجربه اختیار خلاق در آن مکتوب می‌آید. گفتمان تحقیق و توسعه دانایی‌محور از منظر همین تحلیل، بازخوانی شده و بر این اساس می‌توان عازم تبیین دکترین ملی تحقیق و توسعه نظام شد.

گذار و نقد معرفت‌شناسانه دانش‌ها و معارف بشری اعم از معارف درون‌دینی و بیرون‌دینی، رهنمون به اندیشه برای تغییر، ترقی، رشد و توسعه است.

^{۱۰} - ن.ک.به: تحقیق تفصیلی نکارنده: اندیشه تحول خلاق در مز میان‌رشته‌های زیست‌شناسی، علوم انسانی و هنر؛ تهران؛ مرز تحقیقات سیاست علمی؛ ۱۳۸۸

و نیز: کاپرا، فریتیوف؛ پیوندهای پنهان؛ ترجمه محمد حریری اکبری؛ تهران؛ نشر نی.

^{۱۱} - ن.ک. از جمله به: پولارد، سیدنی؛ اندیشه ترقی؛ ترجمه حسین اسدپور پیرانفر؛ تهران؛ انتشارات امیرکبیر؛ ۱۳۵۴

^{۱۲} - مقام معظم رهبری؛ ضرورت تبیین الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت؛

پرسش از کارکرد دانش‌های درون‌دینی، از بنیان، یک پرسش فلسفه دینی است که نوع انتظار ما از دین و نیاز به دین به عین‌ه‌ درباره دانش‌های درون‌دینی نیز در میان می‌آید و انتظار ما از دانش فقه، دانش فقه هنر و نیاز ما به آنهاست.

در همین راستا نیاز به تغییر، رشد، ترقی و توسعه یک نیاز بیرون‌دینی و در اوج فرانیازی - فراانگیزی، نیازی در تفسیر درون‌دینی آن است که در همان حوزه فلسفه دین شکل می‌گیرد و در چشم‌انداز تحلیل معرفت‌شناختی نیز می‌نشیند و می‌تواند توقع از دانش‌های بشری نیز باشد؛ همان‌گونه که امروز در آخرین گفتمان توسعه‌ای اندیشه بین‌الملل یعنی گفتمان توسعه دانش‌بنیاد^{۱۳} شکل گرفته است که به اعتباری آخرین گفتمان اندیشه ترقی است که پس از جنبش اول معرفت‌شناختی پس از کانت و پس از گذار نقدی در گفتمان تکاملی، سامان پذیرفته است.^{۱۴}

۲- تفقه در دین، نظام ادراکی جامع رشد و تحقیق و توسعه دین‌شناختی

«اندیشه ترقی»، اندیشه مضمونی «نقشه جامع علمی» است، نقشه جامع علمی همانا «نقشه جامع اندیشه ترقی» است، «نقشه جامع پژوهش معطوف به توسعه» از همین ایده بر می‌آید، و از همین رهگذر رهسپار دانش دین‌شناختی مبنای راهبری تغییر به سوی آرمان رشد می‌شویم.

۱- این نکته آموخته شده فصل اول آسان می‌نماید اما و صد اما که اندیشه مزبور از «چشم‌اندازی معرفت‌شناختی» همچنان در عرصه تکاپوی نهاد ملی دانش ایرانی - اسلامی (چه حوزه‌های دینی و چه دانشگاه‌ها)، به مثابه خاستگاه بازفهمی دانش‌های درون‌دینی و بیرون‌دینی دیده نشده است، چنانچه این نکته به درستی دریافت شده نوبت به تأمل دوم می‌رسد، یعنی: «اندیشه و دانش دین‌شناختی مبنای راهبری تحقیق و توسعه ای رشد»، یا «تفقه در دین» دریافت و در چارچوب آن پرداخت نظریه درونزای رشد، توسعه علوم، اندیشه دولت دینی و نیز پرداخت اندیشه حیات در جهان‌معاصر دیده شود. .. مدخل این نگرش ان است که «دین»؛ کیش و آیین حیات، و «دین ابراهیمی» کیش و آیین رویکرد به وجود برتر و «دیانت مصطفای نبی» کیش و آیین تفصیلی و نو به نو شونده حیات جامع انسانی رو به آرمان رشد مبتنی بر اصول ثابت پیشنهادی این آیین است؛ و تفسیر علوی دیانت انبیایی، همانا الگوی عینی و تحقق یافته آن «آیین راهبر به رشد» است.

۲- «دین»، «آیین رشد»، و به این قرار شامل سامانه مبانی بینشی - معرفتی، سامانه ارزش‌ها و حقوق و سامانه روش‌ها و الگوهای عملی و برنامه‌ای و الگوهای توسعه‌ای، است. متکی بر این چشم‌انداز، اندیشه دینی اندیشه هدایت و آرمان رشد تعریف می‌شود و دانش جامع رشد در ادبیات قرآنی روایت «تفقه در دین» نام دارد. تفقه در دین سامانه جامع ادراکی معطوف به رشد بوده، به سخنی دیگر تفقه در دین جریان شناخت هدایت دینی و بر این اساس تفسیر رشد و فرایند راهبری به سوی آرمان رشد و جاری در فرایند مدیریت به سوی آرمان رشد است

¹³ - Knowledge Based Development

¹⁴ - ن.ک. به: همین قلم؛ تحول خلاق؛ تهران؛ مرکز سیاست علمی کشور؛ ۱۳۸۸

۳- دانش این سامانه جامع منجر به راهبری دانش بنیان تا خودتوانمندی قسط‌بنیان جامعه مخاطب در پاسداشت خودی رشد یافته خویش، همانا «تفقه‌دردین» است. قرآن کریم و حدیث این گستره جامعه دانشی - رفتاری را توضیح می‌دهند. تعبیر «حکمت» معادل همین «تفقه‌دردین» گرفته شده است.

۴- سامانه جامع «تفقه در دین»، فراگیر همه حوزه‌های ادراکی حقیقی و اعتباری است. انواع حوزه‌های ادراکی یاد شده از ادراکات حقیقی تجریدی (فلسفی - کلامی) تا ادراکات تجربه پذیر حقیقی

تا ادراکات غیر علمی غیر حقیقی (مانند علوم انسانی) تا ادراکات اعتباری و تا ادراکات حضوری به تمامه در این سامانه جامع جغرافیایی حضور دارد

۵- این نظام جامع معرفتی مستند پرداخت الگوی مطلوب، نقد وضعیت موجود و پرداخت نظام برنامه راهبردی است به این قرار فرایند تحقیق و توسعه دین‌شناختی در درون سامانه جامع تفقه در دین دیده می‌شود.

فصل تحقیق و توسعه‌ای تفقه در دین، همان گفتمان برنامه‌مند اندیشه دین‌شناختی ترقی است؛ از این رو ولایت تفقه در دین به طور خاص در عرصه تحقیق و توسعه دریافته می‌شود، تجربه شده و به آزمون در می‌آید.

۶- در سامانه جامع معرفتی رشد، از جمله ادراکات اعتباری، دانش‌های بایدهای رفتاری یا فقه در احکام است. فقه در احکام «دانش استنباط احکام شرعیه فرعیه عملی از ادله تفصیلی» است. بخش نظام‌واره از سامانه تفقه در دین و به تعبیری بخشی نظام‌واره از دانش‌بنیان راهبری رشد است.

ما «الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت» را می‌خواهیم، و به تجربه در فرایند مدیریت سه دهه انقلاب اسلامی یافته‌ایم که الگوی مزبور سامانه‌ای سه وجهی از تحلیل وضعیت مطلوب^{۱۵} (والبتنه فراتر از فصل بایدهای رفتاری موضوع شناختهای مرسوم فقه احکام) تا شناخت انتقادی-توصیفی وضعیت موجود^{۱۶} تا الگوی عملی (اهداف عملیاتی تا سیاستها و راهبردها و برنامه‌های) توسعه^{۱۷}، با یک نظام ادراکی مبنای^{۱۸} است. دانشی فراگیر همه این وجوه و لایه‌ها، دانش مبنای راهبری دین‌شناختی تحقیق و توسعه‌ای رو به آرمان رشد است. این دانش ولایت دارد و نظام و نهاددانشی آن، ولایت‌مدار است. در ادبیات دینی، این جریان اندیشه‌ای، تفقه در دین و آن دانش جامع، همانا «فقه در دین» است. اندیشه اجتهادی نیز در این راستا تحلیل معرفت‌شناختی می‌شود.

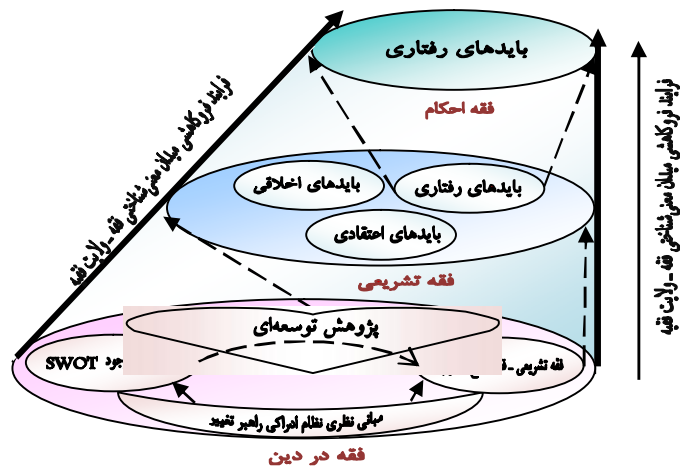
اندیشه فقه جامع اجتهادی در سه لایه تفقه در دین، فقه تشریحی و فقه احکام با روش‌شناسی‌های هماهنگ خویش، ما را به اندیشه مبنای مدیریت تغییر و ولایت فقیه جامع نزدیک می‌کند. ساختار درونی این گفتمان نیازمند تحلیل است ایده فقه جامع و پژوهش اجتهادی فقه جامع در این بخش مهیاتر می‌شود. چیستی فقه در «نظریه جامع تحول خلاق» در یک سطح نگرش و به این قرار نظام ادراکی مبنای دین پژوهی ترقی پژوهش یا «الگوی جامع تفقه در دین»، اولین مبحث ضروری است که در این فراز پیش‌بینی شده است.

^{۱۵} - مثل: مقام معظم رهبری؛ ضرورت تبیین الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت؛ ص ۲۵-۱۰

^{۱۶} - مثل: مقام معظم رهبری؛ ضرورت تبیین الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت؛ ص ۲۸-۱۷

^{۱۷} - مقام معظم رهبری؛ ضرورت تبیین الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت؛ ص ۵۶-۲۹

^{۱۸} - مقام معظم رهبری؛ ضرورت تبیین الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت؛ ص ۱۰-۱



«فقه جامع»، دانش دین پژوهانه جامع با داده‌ها و اطلاعات پرپیشینه تاریخی در عرصه‌های گوناگون علوم و معارف درون دینی واز جمله فقه در احکام است. پرسش از چیستی این دانش، پرسشی معرفت‌شناسانه است و پاسخی اندیشه‌ای می‌طلبد و نظام تولید دانش دینی حاجتمند دانستن آن است.

دانش تمدنی در این دوره گذار تمدنی جامعه ایرانی، و نیز پاسداشت از میراث اندیشه‌ای و دانشی ملی و آیینی خویش و اهتمام به عرصه‌های دانشی میان‌رشته‌ای مبنای راهبری تغییر و حوزه‌های دینی برای خودآگاهی به داشته ستبر و پرمایه خود و بسط نظام واره دانشهای دراختیار خویش و عرصه برنامه‌ریزی توسعه‌ای برای فرایند برنامه‌ریزی و راهبری تحقیق و توسعه‌ای خویش، به دانش فقه جامع محتاج‌اند، و هم دانش پژوهان و نشام مدیریت ملی برای تدبیر سلوک خویش به این دانش تازه طرح شده مستقر بربیک بنیاد قویم تاریخی، نیازمنداند، پس با نظر به اینهمه، شایسته آن باشد که برای دانستن این دانش:

۱- در گام اول، اندیشه ترقی و اندیشه دین‌شناختی رشد و مفاهیم پیوسته و جایگاه آن را در نظام ادراکی راهبر تغییر و سپس نظام تحقیق و توسعه دریابیم،

۲- تا بتوان در گفتارهای دیگری بنیان اندیشه‌ای آن را یعنی مبانی نظری یا مبانی حکمی فقه جامع را دریابیم تا بتوان از بنیانهای این ایده آموخته‌های شایسته‌تری داشت که بی‌خودآگاه و مبرهن نمودن مبانی استنباطی، روشمندی و اتقان فرایند استنباط به سستی می‌گراید، و راه گذار از طراحی سیستمی الگوی مطلوب برای ورود به فرایند تحقیق و توسعه ملی نیز به بوته اجمال و ابهام و نارسایی می‌رود.

۳- و البته نسبت این دانش از مجرای یک گرایش - رشته نهادینه شده با فرایند تحقیق و توسعه ملی برقرار شود.

«تفقه در دین»، نظام ادراکی مبنای تحلیل خاستگاه معرفت‌شناختی فقه در احکام، است.

۱-۲- فقه اجتهادی

فقه و فقهات، و اجتهاد از جمله واژگان ارجمندی است که تاریخ دانش مسلمین شاهد حضور کارآمد آن بوده است؛ با این حال گاهی عناوین ثانوی و امور عارضی و جنبی، پرداختن به مباحث لفظی را ایجاب کرده و ضروری می‌نماید. زیرا اگرچه اهل برهان و معنا را حاجتی به بحث از الفاظ نیست، ولی چه بسا تطور کاربرد جزئی‌تر و یا فراتر از آن مسندنشینی فرهنگی واژه‌ای (مانند آنچه از واژه ولایت فقیه پس از انقلاب اسلامی در

ادبیات سیاسی و اجتماعی رخ نموده است)، انصراف مفهومی تاریخی ایجاد کرده و ما را از اصل معنای حقیقی لفظ منصرف می‌کند.

به هر حال واژگانی چون فقه و فقهت و تفقه با همه روشنی، نیازمند تأمل و بازشناسی هستند. نخست باید فرق میان معنای فقه در بیان شارع و نیز در زبان اهل شریعت را بازشناخت و سپس به چگونگی رابطه میان آن دو پرداخت و ره‌گذاری تاریخی فصل و وصل آنها را توضیح داد.

۲-۱-۱- واژه فقه در متون و منابع شرعی

متون و منابع شرعی همان زمینه‌هایی است که بیان شارع و نظرگاه اصلی او را می‌توان در آن جست و شناخت.

۱- فقه در قرآن کریم:

بی‌تردید معتبرترین متن اصیل برای بازشناخت فقه، قرآن کریم است که در مواردی چند به «فقه و تفقه» و محتوای آن تصریح کرده است. از جمله:

خداوند متعال در قرآن کریم خویش ما را فرامی‌خواند که: «...فَلَوْ لَا نَفَرْنَا مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ...»^{۱۹}

و در احادیث فراوان، اولیاً از جمله امام صادق آموخته‌اند: «إِذَا ارَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا فَقَّهَهُ فِي الدِّينِ»^{۲۰}: یکی از موارد کاربرد واژه تفقه در قرآن که ارتباط بسیار نزدیکی با موضوع مورد بحث دارد، آیه «...نَفَرْنَا...» است: «...فَلَوْ لَا نَفَرْنَا مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ»^{۲۱}

«تفقه‌دردین»، به گونه‌ای که بتوان به وسیله آن جامعه را از کژی‌های عقیدتی و عملی و فکری برحذر داشت، در مجموعه تمامی معارف اسلامی می‌گنجد و در چارچوب احکام شرعی فرعی عملی محصور نمی‌گردد و آن را «فقه اکبر» نام نهاده‌اند. از این رو صدرالمتألهین در «شرح اصول کافی» پس از بیان اینکه واژه فقه در آغاز پیدایش اسلام محصور بر احکام شرعی فرعی عملی نبوده است می‌گوید: «وَ إِنْ الْفِقْهُ أَكْثَرُ مَا يَأْتِي فِي الْحَدِيثِ بِمَعْنَى الْبَصِيرَةِ فِي أَمْرِ الدِّينِ وَ إِنْ الْفَقِيهَ صَاحِبُ هَذِهِ الْبَصِيرَةِ»^{۲۲}.

اصولاً واژه فقه در قرآن به معنای فهم و دریافت عمیق حقایق دین و آفرینشی که منجر به خشیت و تربیت وجودی خویش و انذار خلق می‌گردد، است. در مثل دیگر موارد کاربرد آن در قرآن کریم:

- «... قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ»^{۲۳}

- «لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا»^{۲۴}

- «فَمَا لَهُمْ لَوْ لَا الْقَوْمَ لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثًا»^{۲۵}

۱۹- سوره توبه؛ آیه ۱۲۲: پس چرا از میان جماعت‌های مردمان گروهی هجرت نمی‌کنند تا در نظام جامع مسایل دینی آگاهی بیابند...

۲۰ - آنگاه که خداوند خیر بنده‌ای را بخواهد، او را فقیه در دین می‌سازد. فقیه در دین دارای اختیار خلاق است.

۲۱ - سوره توبه؛ آیه ۱۲۲.

۲۲- صدرالمتألهین، محمد؛ شرح اصول کافی؛ ...

۲۳- سوره انعام؛ آیه ۹۸.

۲۴- سوره اعراف؛ آیه ۱۷۸.

۲- مناسب می‌نماید، برخی نمونه توضیحات روایی میدان معنی‌شناختی «تفقه‌دردین» را مرور کنیم. در روایات اولیای معصومین نیز فقه و حتی تفقه‌دردین، دارای میدان گسترده‌ای همپای تعریف قرآنی آن است. از آن جمله:

- رسول الله: «اذا اراد الله بعبد خيراً ففقهه في الدين و زهده في الدنيا و بصرة عيوبه»^{۲۶}: هرگاه خداوند برای بنده‌ای خیر و اختیار خلاق را بخواهد، او را راهبر به تفقه دردین، زهد در دنیا و روشن‌بینی به کاستی‌های خویش است.»

- و باز فرمود: «مَنْ يُرِدِ اللهُ بِهِ خَيْرًا يُفَقِّهْهُ فِي الدِّينِ»^{۲۷}

- امام علی: «تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ أَحْسَنُ الْحَدِيثِ وَ تَفَقَّهُوا فِيهِ فَإِنَّهُ رَبِيعُ الْقُلُوبِ»^{۲۸}: تفقه در قرآن کریم، بهار

و زایایی قلبهاست»

- امام علی: «الْفَقِيهَ كُلُّ الْفَقِيهِ مَنْ لَمْ يُقَنَّطِ النَّاسَ مِنْ رَحْمَةِ اللهِ، وَلَمْ يُؤَيِّسْهُمْ مِنْ رَوْحِ اللهِ وَلَمْ يُؤْمِنْهُمْ

مِنْ مَكْرِ اللهِ»^{۲۹}: شأن هر فقیه آن است که مردمان را از رحمت خداوند نومید و از روح و راحتی و حس سرشاری

حضور خداوند مأیوس نسازد و از چاره‌سازی و مکر خداوند در امان نینگارد.»

- پیامبر اکرم: «مَنْ حَفِظَ مِنْ أُمَّتِي أَرْبَعِينَ حَدِيثًا يَنْتَفِعُونَ بِهَا بَعَثَهُ اللهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَفَقِيهًا عَالِمًا»^{۳۰}:

هرکسی از میان امت من چهل حدیث را آموخت و به آن عمل کرد و مردمان از آن بهره بردند، خداوند متعال

روز قیامت وی را فقیهی اهل اندیشه و نظر بر خواهد انگیخت.»

- امام صادق: «إِنَّ مِنَ الْفَقِهَةِ عِرْفَانَ الْحَقِّ»^{۳۱}: شناخت خداوند و حقیقت عالم، بخشی از فقه است.»

- امام صادق: «إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ الْفُقَهَاءَ»^{۳۲}: آنان که به ایمان رسیده‌اند، اهل فقه و فقاهاستند.»

- امام صادق: «أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِالْفَقِيهِ حَقًّا؟ مَنْ لَمْ يُقَنَّطِ النَّاسَ مِنْ رَحْمَةِ اللهِ»^{۳۳}: فقیه حقیقی آن است که

مردم را از رحمت‌های خداوند ناامید نکند.»

- امام صادق: «إِذَا أَرَادَ اللهُ بَعْدَ خَيْرٍ يُفَقِّهْهُ فِي الدِّينِ وَ يُلْهِمَهُ رُشْدَهُ»^{۳۴}: خداوند وقتی که برای کسی خیر

و خوبی را اراده کند، او را فقیه در دین می‌گرداند و از این رهگذر رشد و تعالی را به وی الهام می‌نماید.»

- امام صادق: «أَفْضَلُ الْفَقِيهِ، الْوَرَعُ فِي دِينِ اللهِ وَ الْعَمَلُ بِطَاعَتِهِ»^{۳۵}: با منزلت‌ترین مرتبت فقه همانا ورع در

دین خداوند و دیگر سلوک و رفتار بر مدار طاعت خداوندی است.»

- امام صادق: «تَفَقَّهُوا فِي دِينِ اللهِ فَإِنَّ الْفَقِيهَ مِفْتَاحُ الْبَصِيرَةِ وَ تَمَامُ الْعِبَادَةِ وَ السَّبَبُ إِلَى الْمَنَازِلِ الرَّفِيعَةِ وَ

الرُّتَبِ الْجَلِيلَةِ فِي الدِّينِ وَ الدُّنْيَا»^{۳۶}: آئی مردمان به تفقه در دین خداوند روی آورید، چراکه کلید گشایش روشن

۲۵- سورة نساء؛ آیه ۷۸.

۲۶- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب؛ الکافی، ج ۲؛ ص ۱۳۰

۲۷- کراچی، ابوالفتح؛ کنزالفوائد؛ ج ۲؛ ص ۱۰۸؛ قم؛ انتشارات دارالذخائر؛ ۱۴۱۰

۲۸- دشتی، محمد؛ نهج البلاغه؛ قم؛ نشر روح؛ ۱۳۷۸؛ ص ۲۱۱؛ خطبه ۱۱۰.

۲۹- همان مأخذ؛ ص ۶۴۳؛ حکمت ۹۰.

۳۰- حرعاملی؛ محمد بن حسن؛ وسائل الشیعه؛ ج ۲۷؛ ص ۹۳؛

۳۱- همان مأخذ؛ ج ۱۵؛ ص ۱۲۱

۳۲- همان مأخذ؛ ج ۳؛ ص ۲۸۳

۳۳- همان مأخذ؛ ج ۶؛ ص ۱۷۳

۳۴- مجلسی؛ محمد باقر؛ بحار الانوار؛ ج ۱؛ ص ۱۷۷ بیروت؛ الوفاء؛ ۱۴۰۴

۳۵- همان مأخذ؛ ج ۳۳؛ ص ۵۴۹

بینی و بصیرت و مایه منزلت تمام یافتن عبودیت و عبادت در نزد خداوندگار است و خود موجبیت برای نیل به رتبه‌های بلند وجودی و مراتب برجسته رویش و فلاح در دنیا و آخرت.»

و روایات بسیار دیگری که نشان می‌دهد فقاقت در محدوده شناخت احکام فرعی شرعی نمی‌گنجد، بلکه فقهی که قرآن و اولیای معصوم، ما را بدان فرامی‌خوانند آن نوع شناخت‌هایی است که اعم از شناخت احکام شرعی فرعی عملی و فراگیر همه حوزه‌های ادراکی دین و شناخت راهبری فرایند هدایت به رشد، اخلاق زیستی، تا راهبری خودتوانمندانه جامعه مخاطب است. فقهی است که مایه زهد و شناخت کاستی‌های نفس خویش است، فقهی است که در قلب آدمی سرشاری معنی داری از معرفت خدا می‌آفریند، فقهی است که نه یأس از آن می‌تراود و نه به تجری می‌کشد. و معلوم است که بحث هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، خودشناسی و یأس و تجری و اخلاق و تربیت و تدبیر، از جمله مباحث مربوط به مسایل شرعی فرعی عملی نیست و در دایره گسترده‌تری از معارف الهی می‌گنجد.

از این نمونه آموزه‌ها در می‌یابیم: «تفقه‌در دین» یعنی: فهم روشمند جامع‌نگر همه ابعاد نظام واره دین (بالحاظ همه منابع استنباط) معطوف به آرمان مقصودنظر دین (آرمان رشد: یهدی الی الرشد) که به راهبری مصلحانه نظام اجتماعی (انذار) تا سطح خودتوانمندی خودآگاه و خود خواسته جامعه برای خودبانی از هویت و کیان ملک و آیین خویش (حذر)، می‌انجامد.

۲-۱-۲- تعریف تحلیلی «تفقه‌در دین»

«تفقه‌در دین» فرایند اندیشه و شناخت پژوهشگرانه روشمند و سیستماتیک کلیت تعالیم دین در همه ابعاد و حوزه‌های ادراکی، به گونه‌ای که به تربیت انسانی و مدیریت اجتماعی دست دهد و زمینه‌ساز گرایش ارادی افراد جامعه و کلیت جامعه به پاسداری از کیان ایمانی باشد.

«تفقه‌در دین» شناخت نظام‌واره مجموعه تعالیم دین و از منظر دین، شناخت موضوعات و ارایه رهیافت‌های رشد انسانی - اجتماعی اوست؛ و به این قرار، مجموعه حوزه‌های شناختی، عناصر سیستماتیک این قلمرو کلان معرفتی می‌باشند. شناخت مزبور با نظر به قابلیت‌های معرفت‌شناختی در روش‌شناختی‌اش، یعنی شناخت سیستمیک، توانایی ورود به حوزه تربیت انسانی و مدیریت اجتماعی را دارد. به این قرار، «فقه‌در دین» یعنی سیستم و دستگاه کلان ادراکی و شناختی فراگیر مجموعه حوزه‌های نظری، ارزشی و کاربردی آموزه‌های دین که به حوزه مدیریت روشنگرایانه اجتماعی راه می‌برند.

یکی از جمله بهره‌های این تحقیق آن است که یک نظریه دینی مدیریت تحول و تغییر انسانی یا اجتماعی بایستی ناظر به همه ابعاد تعالیم دین باشد و نه تنها جنبه‌ای از آن.

این تعریف را اندکی باز تحلیل کنیم:

«تفقه در دین»، کاوش و جریان اندیشه‌ای و پژوهشی‌ای:

رشد نگر و به تعبیری فهم راهبری به تغییر و تحول و کنش تاریخی رشد یابنده،

نظام‌واره در مجموعه و کلیت سیستماتیک آموزه‌های دینی،

ریشه‌دار در همه عرصه‌های ادراکی و تا اوج جریان فهم و آگاهی و سطوح شناخت و تا گسترده‌ترین و

ژرفترین لایه‌های حیات انسانی،

و از منظر آموزه‌های نظام‌واره دین، شناخت موضوعات و فرایندهای در حرکت و پدیدار حیات و آرایه‌ریه‌یافت‌های راهبری رشد انسانی - اجتماعی است، که به انداز و اصلاح و تدبیر توسعه‌ای (حرکت از وضع موجود به سوی وضعیت مطلوب) دست دهد، و زمینه ساز گرایش خودآگاهانه و ارادی و خودتوانمندانه جامعه و آحاد انسانی آن به بلوغ روانشناختی و جامعه‌شناختی خود بوده، و به پاسداری خودتوانمندانه عدالت بنیاد (لیقوم الناس بالقسط)^{۳۷} از کیان ایمانی خویش دست می‌یابد. خاستگاه فرایندهای مهندسی فکر دینی، «تفقه‌دردین» است. شناختی این‌گونه می‌تواند بنیان معرفتی و شناختی و اندیشه‌ای مدیریت راهبردی نظام اجتماعی باشد. نظریه ولایت فقیه، همانا مدیریت توسعه‌ای تفقه‌دردین مدار است.

۲-۱-۳- اقسام اجتهاد در نگاه دانش بنیان رشد

با آنچه گذشت دانسته می‌شود اجتهاد، کوشش در پژوهش از مسأله‌های پیش‌روی اندیشه دینی و برقراری سازگاری و نسبت دادن راهبرانه اصول ابدی دینی با امور متغیر عینی است. عرصه پویایی اجتهاد، همانا دریافت سیستماتیک تعالیم دین و شناخت دینی امور عینی و مدیریت امور مزبور در راستای آن تعالیم، یعنی حوزه تحقیق و مدیریت انسانی است. گستره جامع این فرایند اندیشه‌ای همان «تفقه‌دردین» است. ۴- فرایند تکاپوی اجتماعی یعنی اندیشه‌ورزی در سازگاری و نسبت‌دهی امور متغیر عینی با اصول ثابت راهبری دین شناختی فرایند تغییر است. عرصه جامع پویایی اجتهاد همانا عرصه تفقه‌دردین است با اقسام تکاپوی اجتماعی زیر:

با تحلیلی که از مفهوم و موضوع فقهی و دیدگاه فقهی به دست داده شد، گرایشهای اجتهادی هماهنگ به گستره نظام کلان ادراکی معطوف به رشد، در درون دیدگاه مزبور، شکل می‌گیرد:

۱- اجتهاد نظری: یا تکاپوی پژوهشی روشمند مستند به منابع برای شناخت اصول و مبانی معرفتی و اعتقادی به کار گرفته می‌شود.
۲- اجتهاد اصولی: یا تکاپوی پژوهشی روشمند مستند به منابع برای شناخت دلیل و حجت به کار گرفته می‌شود و هدف آن تنها به دست آوردن حجت و مدرک برای احکام حوادث واقع شده و رویدادهای تازه و جدید است.

۳- اجتهاد فقهی (فقه در احکام): یا تکاپوی پژوهشی روشمند مستند به منابع برای شناخت حکم شرعی روابط رفتاری، از راه عناصر و مبانی اصلی استنباط به کار گرفته می‌شود.

۴- اجتهاد تفریعی و تطبیقی: یا تکاپوی پژوهشی روشمند مستند به منابع برای شناخت فروع اصول و مصادیق قوانین کلی احکام و ارتباط میان فروع و اصول و مصادیق قوانین کلی احکام به کار گرفته می‌شود. این اجتهاد، فروع تازه را از هر نوعی که باشد به اصول پایه بازگشت داده و قوانین کلی را بر مصادیق خارجی آنها منطبق می‌کند.

۵- اجتهاد عملی: یا تکاپوی پژوهشی روشمند مستند به منابع برای علم داشتن به مطابق بودن عملی را که انسان انجام داده با آنچه به او امر شده است - که در اصطلاح علمی به آن «المأتی به مع المأمور»

^{۳۷} سوره حدید؛ آیه ۲۵

به» می‌گویند - به کار گرفته می‌شود، که آیا این عمل انجام شده با آنچه به آن امر شده است مطابقت دارد یا نه؟ پژوهش توسعه‌ای، می‌تواند در این قسم اجتهاد قرار گیرد.

۶- پژوهش توسعه‌ای: یا تکاپوی پژوهشی روشمند مستند به فرایندهای اجتهادی پیشین و در راستای آموزه‌های دین در راهبری پدیده‌های پیوسته با امر انسانی به سوی آرمان برگزیده در مراحل تدوین نظام اهداف عملیاتی، سیاستها و راهبردها.

بدینسان و به این قرا: اندیشه اجتهادی مبنای ایده پیشرفت و ترقی اسلامی - ایرانی، اجتهاد جامع یا تفقه‌دردین است. به این قرار بنیان دانشی تحقیق و توسعه، تفقه‌دردین یا حکمت دینی است. نظریه دولت دینی در راستای این گفتمان عینیت توسعه‌ای می‌یابد.

پرسش از ولایت‌مندی فقیه، در مبادی معرفت‌شناسانه و از منظر آخرین گفتمان‌های توسعه‌ای، ولایت فقه و فقاہت است.

۳- تفقه در احکام در جغرافیای فهم راهبر تغییر

تفقه‌دردین، «اندیشه راهبر تغییر» است. شناخت درست «نگره تفقه‌دردین» به هدف نهایی «پرداخت نظریه دانش مبنای جمهوری اسلامی و بر آن مبنا پاسبانی اندیشه ولایت فقیه» است. هدف مزبور اهداف فرعی چندی را نیز تأمین می‌کند:

۱- تحلیل جامع نظام پرسش‌های پیش روی اندیشه دینی و شناخت جامع‌نگری از دامنه پرسش‌محوری پیش روی فکر دینی در برابری آن با عنوان اندیشه ترقی - اندیشه تحول خلاق

۲- تبیین تاریخ گذار از تفقه‌دردین به تفقه در احکام و به تعبیری تبیین جایگاه تفقه در احکام در جغرافیای تفقه‌دردین و در این راستا بازخوانی مفهوم و شکل فقهی

۳- گذار از تاریخ فکر ترقی به گفتمان توسعه‌دانی محور به گفتمان تحقیق و توسعه تفقه‌دردین محور و نوعی مطالعه مقایسه‌ای با تاریخ فکر دینی از این منظر

۴- بازخوانی ایده ولایت فقیه از منظر ایده تفقه‌دردین و گذار از مقوله توسعه‌ای علم به اقتدار ملی

۵- مهیاسازی زمینه پرداخت نقشه جامع علمی و در راستای آن نقشه جامع راه تولید دانش دینی تصویری که برای دانش فقه پرداخته می‌شود برای جایگاه، نقش و کارکرد گرایشهای درونی آن نیز در نظام کلان ادراکی رشد و تحقیق و توسعه فقه پیشرفت، پرداخته می‌شود.

مکتب مدعی راهبری تغییر باید بتواند خویش را در یک نظام اندیشه توسعه‌ای والگوی تحقیق و توسعه‌ای درونزا و خود ویژه، آشکار کند. بدین سان:

۱- در فهم فلسفه دینی آیین مصطفای نبی(ص)، «فرانیاز به رشد»، خاستگاه تحلیل «انتظار از دین» دیده می‌شود؛

۲- ما برای شناخت پدیدارهای انسانی و راهبری فرایندهای تغییر آن به سوی آرمان پیشنهادی دین (آرمان رشد)، نیازمند رویکرد جامع نگر و جامع اندیشی به دین و پرداخت نظام ادراکی آموزه‌های دینی هستیم، نظام مزبور در کلیت و نظام‌وارگی‌اش معطوف به هدف رشد و مبنا برای پرداخت گفتمان تحقیق و توسعه‌ای آن است، در دید داشتن این نظام جامع ادراکی یک ضرورت راهبردی و تمدنی است.

۳- بهره‌ممتاز از آخرین دستاوردهای گفتمان‌پردازی معاصر اندیشه ترقی، گفتمان توسعه دانش‌بنیان^{۳۸} است که نقش اقتدار توسعه‌ای علم را برای اقتدار ملی منجز می‌سازد. براین مبنا دانش معطوف به ترقی و به این قرار دانش معطوف به رشد و در این راستا دانش معطوف به توسعه و تمدن خاستگاه پردازش «نظریه حاکمیت» است. به سخنی دیگر نظریه جمهوری اسلامی تابعی از نظریه ولایت دانش و به تعبیری «گفتمان ولایت فقیه» تابعی از «گفتمان ولایت فقه» است. پرداخت نظریه حاکمیت در جمهوری اسلامی در گرو پرداخت نظریه دانش توسعه‌ای آن است

۴- آن دانش جامع‌نگر به دین و این دانش مقتضای دانش توسعه‌ای - تمدنی، همان «تفقه‌دردین» است. و گرایشهایی چون «فقه اقتصادی»، فصلی نظام‌واره از «فقه احکام» و این نیز فصلی نظام‌واره از همین جریان عظیم اندیشه‌ای «تفقه‌دردین» است.

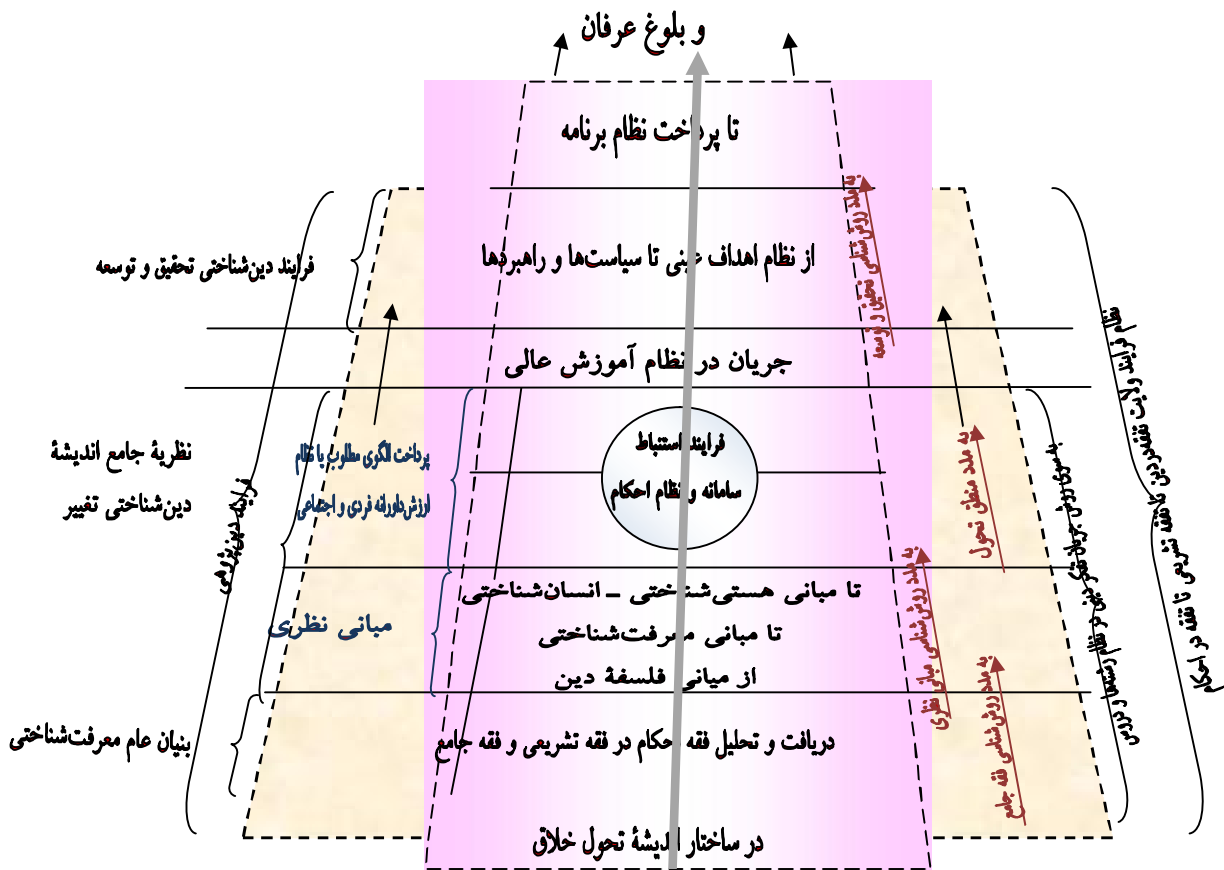
اشارت و تحلیلی معرفت‌شناختی از نسبت دو اصطلاح «تفقه‌دردین» و «تفقه‌در احکام»، بنیان معرفت‌شناختی شایسته‌ای برای عنایت بایسته‌تر به نقش رشدآفرین - در وجه انسان‌شناختی و نقش زمینه‌ساز تحقیق و توسعه‌ای «فقه در احکام» مهیا می‌کند. مسیر پر ماجرای اندیشه‌ای را باید در سه گام با درایت شایسته طی کنیم:

۱- به سراغ تاریخ اندیشه دینی و ماجرای انصراف مصداقی و سپس مفهومی فقه جامع به فقه اصغر برویم تا از جمله تکلیف دامنه مفهومی هر کدام از گرایش‌ها مانند فقه سیاسی یا فقه اقتصادی یا فقه هنر نیز بشویم؛
۲- سپس با عنایت به همین سامان دولایه‌ای مفهوم فقه، شکل فقهی اصیل را در تناسب با گستره توقع امروزین از شکل فقهی، بیشتر دریابیم؛

۳- و البته به گونه‌ای هوشمندانه به سراغ نقش تحقیق و توسعه‌ای فقه و تناسب معرفت‌شناختی آن با این رویکرد برویم تا ذهنیت لازم برای پرداخت توسعه‌ای آن مهیا باشد.

با همه آنچه گذشت نسبت معرفت‌شناختی «فقه احکام» و «فقه دردین»، و نسبت این دو با فرایند «تحقیق و توسعه جامع‌نگر» و این همه با «اندیشه ولایت فقیه»، و به این قرار «گفتمان تحقیق و توسعه تفقه دردین محور»، و اینها نیز با اندیشه «مدیریت راهبردی» و از جمله با «سند چشم‌انداز توسعه»، و البته کلیت اینها با «اندیشه دین‌شناختی ترقی»، یا همان «الگوی اسلامی - ایرانی» پیشرفت می‌تواند دانسته شود.

۱- با رویکرد معرفت‌شناختی، اندیشه ترقی، مبنای تحلیل دانش‌ها برگرفته شود؛
۲- اندیشه دینی، به مثابه اندیشه آیین سامانمند بینش‌ها، ارزش‌ها و روش‌ها در هدایت به سوی آرمان رشد، شناخته می‌شود. اندیشه مزبور همان اندیشه فقه جامع است؛



نمودار نظام اندیشه فقه احکام در الگوی کلان فقه جامع

۳- فرایند درونی اندیشه فقه جامع از مبانی نظری (شامل مبانی فلسفه دینی تا مبانی معرفت‌شناختی تا مبانی هستی‌شناختی - انسان‌شناختی) تا شناخت و استنباط الگوی مطلوب پیش روی حیات فردی و اجتماعی (و از جمله شامل بایدها و نبایدها که به مدد دانش فقه احکام استنباط می شود و نیز شامل علم اخلاق و به هر حال آرمان‌ها و اصول و شاید بایدها و نبایدها و نشاید بایدها و نبایدها) تا فرایند تحلیل انتقادی - توصیفی وضعیت موجود، و تا کاوش از الگوی عملی توسعه راهبردی راه، در برمی گیرد.

۴- مجرای ورود اندیشه فقه جامع در فرایند مدیریت راهبردی، همانا ورود به نظام علوم، تحقیقات و فناوری، در دو فصل برجسته نظام آموزش و پژوهش است؛

۵- و تا نقطه بلوغ اندیشه‌ای آن یعنی عرفان و از آن پس اندیشه هنر، تداوم می یابد؛

۶- اندیشه مرسوم فقه احکام (فقه اصغر) در این فرایند (فقه اکبر) و در فصل پرداخت الگوی مطلوب عهده دار استنباط بایدها و نبایدها (احکام) رفتاری است. یک دستاورد اندیشه‌ای این فصل آن است که فقه اصغر برای درجای خود نشینی شایسته در عینیت فضای حیات جامعه انسانی همواره باید پذیرای خودآگاه - علم آگاهانه - نسبت خود با فقه جامع باشد، و عینیت حضور خویش را در تداوم فرایند درونزای تحقیق و توسعه گردن بگذارد، و گرنه بُن خویش خواهد برید.

در کلیت فرایند دین‌پژوهی، جایگاه فقه احکام و در کلیت فرایند اندیشه‌اجتهادی، جایگاه اجتهاد احکامی معین می‌شود. این تفکیک، تفکیکی معرفت‌شناسانه است و نظریه جامع اندیشه دین‌شناختی تغییر، در این فرایند عمومی شکل می‌گیرد، که خود در سه سطح عمومی تفکیک پذیراست:

سطح اول: مبانی نظری اندیشه‌اجتهادی

سطح دوم: الگوی ارزش‌داورانه - هنجارین وضعیت مطلوب

سطح سوم: فرایند تحقیق و توسعه دین‌شناختی

در متن همین فرایند، روش‌شناسی جریان فکری در نظام علوم، تحقیقات و فناوری به ویژه در دویخ‌نظام آموزش (به طور خاص نظام رشته‌ها و دروس) و نظام پژوهش، معلوم‌تر می‌گردد، و نیز:

روش‌شناسی مبانی نظری

روش‌شناسی پرداخت الگوی مطلوب

روش‌شناسی تحقیق و توسعه دین‌شناختی

در کنار اینها می‌توان به تصحیح برداشت از ایده ولایت فقیه رسید، و دانست که چگونه «تفقه در دین» دانش جامع راهبری تغییر است و بر فرایند ترقی والگوی پیشرفت ولایت دارد، و نقش فقاقت در احکام در فرایند ولایت راهبری فرایندهای تغییر و تحول چگونه است. «ولایت فقه»، «ولایت فقه در دین» و «ولایت فقیه»، «ولایت فقیه در دین» است. پرداخت دکتترین تحقیق و توسعه ملی، فرایند مدیریت راهبردی نظام جمهوری اسلامی و پرداخت سند چشم‌انداز توسعه ملی در فرایند ولایت فقه در دین، در نظام اندیشه فقه جامع شکل می‌گیرد.

۴- عناصر تحلیلی و دانش مبانی اندیشه ولایت فقیه

اندیشه دینی، دانش دینی، در عرصه راهبری تغییر به سوی آرمان رشد ولایت دارد. دارای این قابلیت است که در قالب یک سامانه جامع ادراکی در دو دسته گزاره‌های اخباری و انشایی به تفسیر فرایند رشد و تحقیق و توسعه در رسد.

با این نگاه، اندیشه دولت دینی یا اندیشه مدیریت دین‌شناختی تغییر، و تحقیق و توسعه، مجال حضور می‌یابد. مدیریت تحقیق و توسعه تفقه در دین محور، محلی از اعراب می‌یابد و می‌تواند با جریان در نظام حقوق اساسی به مثابه یک گفتمان کارآمد در جهان جدید مصدر یک دوره تمدنی شکوفا باشد، ایده ولایت فقیه همین ایده مدیریت دین‌شناختی راهبردی تحقیق و توسعه‌ای تفقه در دین محور است.

انقلاب اسلامی فرصت تجربه این ایده برتر است، فرصتی که در تاریخ دانش مسلمانی، اندیشه شیعه و تاریخ تشیع، دومین فرصت قابل اعتنا و برجسته است.

تجربه اول در عصر صفوی رخ نمود نقدهای چندگونه بر تجربه اول با لحاظ فرصت‌ها و چالش‌های جدید می‌تواند با عیار و مضمونی تازه متکای این تجربه تمدنی جدید باشد. نقشه جامع علمی در نظام ولایت فقیه البته و به ناگزیر در کانون خویش باید نقشه راه دانش دینی را نشان دهد، نشان دهد که دانش دینی:

۱- قابلیت جریان یافتن در فرایند ترقی و توسعه جامع‌نگر را دارد

۲- قابلیت ظهور نهادمند در نظریه دولت دینی را دارد

۳- قابلیت گفتگوی فعال با جهان اندیشه بین‌الملل را برای دستیابی به سطح تازه‌ای از حیات بین‌الملل بشری در خویش دارد. با این لحاظ:

۱- اندیشه ولایت فقیه برآمده از اندیشه ولایت فقه است، مختصات به علاوه‌ای ولایت فقیه چونان عدالت و مدیریت، و شاخصه‌های درونزای اصل ولایت فقه‌اند

۲- فقه مبنای راهبری تغییر به سوی رشد، تفقه در دین است نه تفقه صرف در احکام. «تفقه در احکام»، جریان اندیشه‌ای استنباط قواعد ارتباطات رفتاری است و دست کم از سه بخش ادراکات نظری، ادراکات تجربه پذیر، ادراکات ارزشی (اخلاقی) و نیز حوزه تحقیق و توسعه جدا بوده و در نسبت با یکدیگر ارکان اصلی سامانه جامع تفقه در دین را، تشکیل می‌دهند.

۳- در تفقه در احکام نیز تنها استنباط مفردات احکام دیده نمی‌شود بلکه استنباط سیستم جامع راهبری به سوی وضع مطلوب یا سامانه جامع وضع مطلوب نیز در این فرایند شناختی مد نظر است، از نظام تعلیم و تربیت به همراه احکام تعلیم و تربیت، تا نظام اخلاقی به همراه احکام اخلاقی، تا نظام اجتماعی - فرهنگی به همراه احکام و روابط رفتاری اجتماعی - فرهنگی تا نظام سیاسی به همراه احکام سیاسی تا نظام اقتصادی به همراه احکام اقتصادی تا نظام حقوقی - قضایی - اجرایی به همراه احکام مربوط به آن

۴- تئوری‌های مرسوم ولایت فقیه بر ولایت فقیه در احکام نظر داشته‌اند، نقد معرفت‌شناختی نسبت فقه در احکام با تفقه در دین و نسبت ولایت فقیه در احکام با ولایت فقیه در دین بویژه از منظر ورود تخصصی و نه تخصصی مبنای نظری از سویی و فرایند تحقیق و توسعه از سویی دیگر در میدان معنی شناختی نظریه دولت، راهبر به بازخوانی این نظریه است، تجربه انقلاب اسلامی، به ویژه در دوره دوم ولایت فقیه ضرورت ورود عملی این لایه‌های مفهومی را به میدان معنی‌شناختی ولایت فقیه به اثبات رسانده‌اند، اقتدار توسعه‌ای علم در گرو اندیشه تفقه در دین و اقتدار توسعه‌ای ولایت فقیه در گرو تحقق ایده ولایت فقیه در دین است

در دومین دوره طرح ایده ولایت فقیه در جهان معاصر ایرانی و در اولین دوره پرسش از چیستی و چگونگی معرفت شناختی اندیشه ولایت فقیه به سر می‌بریم. اندیشه مدیریت تغییر زیرساز اندیشه دولت و اندیشه ولایت فقیه است. نسبت دو عنصر تحلیلی نظام اندیشگی مزبور، یعنی عنصر دانش مبنا (فقاها) و تدبیر تحقیق و توسعه راهبردی (ولایت)، چگونه است؟

ولایت به معنای حکومت و زعامت سیاسی^{۳۹} یا حاکمیت سیاسی و تدبیر امور، و اندیشه ولایت، همان اندیشه دولت، یا اندیشه دین‌شناختی مدیریت راهبردی تحقیق و توسعه، است. پرسش از ولایت‌مندی فقیه، در عیاری معرفت‌شناسانه، همانا پرسش از ولایت‌مندی فقه و فقاها است.

با پایه گذاری اندیشه دولت دینی و آرای سیاسی در سنت اندیشه‌ای معصومان، تعریف شده به «اندیشه امامت» با کلام و سلوک اولیاء، شش دوره گفتمانی قابل ملاحظه است^{۴۰}:

۱- دوره کمون (اندرون پروری) از ابتدای عصر غیبت تا شروع دوران صفویه: پرداخت‌های پراکنده در تفسیر بعضی آیات قرآن کریم و نیز انبانه سازی روشمند و سامان‌مند احادیث معصومان و برخی ابواب کلامی (از جمله مباحث نبوت، امامت و غیبت)، از نگاه فقیهان آغاز عصر اجتهاد تا محقق کرکی با تأکید بر تدبیر

^{۳۹} - نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶؛ ص ۳۳۲ و نیز ن.ک. به: نامه ۵۲، ص ۴۴۱، ۴۳۲، ۴۲۷ و خطبه ۲۱۶، ص ۳۳۲.

^{۴۰} - ن.ک. برای مثال به: - برجی، یعقوبعلی؛ ولایت فقیه در اندیشه فقیهان؛ تهران؛ دانشگاه امام صادق، انتشارات سمت؛ ۱۳۸۵

- کدیور، جمیله؛ تحول گفتمان سیاسی شیعه در ایران؛ تهران؛ انتشارات طرح نو؛ ۱۳۷۹

- کدیور، محسن؛ نظریه‌های دولت در فقه شیعه؛ تهران؛ نشر نی؛ چاپ دوم؛ ۱۳۷۷

دانش بنیاد یا ولایتمندی دانش یا اصل دانش مستندات ایده ولایت فقیه با تأکید بر اینهمانی قلمرو معنایی فقه، و علم^{۴۱} از جمله در منابع گردآمده حدیثی ثقة الاسلام کلینی و شیخ صدوق و این آموزه روشن که در آثار آثار و منابع روایی انصرافی از فقه جامع به فقه احکام دیده نمی شود. و نیز برخی از ابواب حکمت عملی (در مثل سیاست نامه ها، اندرزنامه ها) و بعضی گزارش های تاریخی. می توان گفتمان غالب شیعه را در این دوره گفتمان «دوئیت شناسی سلطان عادل سلطان جائر»، نامید.

۲- مرحله دوم: همپای دوره صفوی، با گفتمان غالب قدرت موازی «حکومت شاه شیعه ولایت فقیه عادل»، با گفتمان «امکان مشروعیت نظام حکومتی غیر معصوم»: اولین دوره رسمی نظریه پردازی ولایت فقیه با فقه انصراف یافته به فقه احکام با حضور برجستگانی چون محقق کرکی^{۴۲} و تأکید وی بر نیابت عامه فقیه در عصر غیبت و نیز محقق اردبیلی^{۴۳} با تأکید محوری بر ولایت انتصابی عامه فقیهان.

۳- تا مرحله سوم یا اولین دوره قاعده مندی نظریه ولایت سیاسی فقیه (از محقق مولی احمد نراقی^{۴۴} تا محقق نایینی)، با گفتمان «قلمرو مفهومی ولایت فقیه» در کاوش از قلمرو مفهومی ولایت فقیه به کلیت عرصه حیات و تدبیر و یا تنها بر حوزه قضا و افتا

اولین قرائت اجتهادی حکومتی عینی در این دو دوره با عصر سلطنت و ولایت از قرن دهم (۹۳۵ سال تأسیس حکومت صفوی) تا بیش از دو سده بعد تا عصر قاجار با نظریه پردازی چون محقق کرکی (م. ۹۴۰ ه.ق.) در عصر صفوی^{۴۵} در اصل مشروعیت سیاسی و مولی احمد نراقی (م. ۱۲۴۸ ه.ق.)^{۴۶} در عینیت قلمرو مدیریتی و قلمرو ولایت فقیه در عصر قاجار و مصادف با شروع تحولات و تازه شدگی پرسشهای از اندیشه دینی با مثل مفهوم عدالت، آزادی و جنبشهای ضد استعماری و در این راستا شروع جنبش احیای فکر و اندیشه دینی با مثل سیدجمال الدین اسدآبادی، شکل گرفت.

۴- تا مرحله چهارم یعنی دوره مشروطه (از محقق نایینی^{۴۷} تا امام خمینی): یا گفتمان قلمرو موضوعی ولایت در اولین تعامل با مظاهر مدرنیته جهان معاصر و مدرنیسم، یا عصر «مشروطیت و نظارت» با فقیهانی چون میرزای نایینی (م. ۱۳۵۵ ه.ق.)^{۴۸}، شیخ شهید فضل الله نوری (م. ۱۳۲۷ ه.ق.)^{۴۹} و تا آیت الله سیدمحمد حسین بروجرودی (م. ۱۳۴۰ ه.ق.)^{۵۰} با گفتمان غالب «سلطنت مشروطه مشروطه» و برآمدن و بلوغ همان پرسشها و اقتضات و مفاهیم زیستی تازه بشری مانند آزادی، مساوات، قانون، مشروطه، نظارت، تفکیک

۴۱- مانند: «الفقهأ أمناً للرسول» (اصول کافی، ج ۱، ص ۴۶)، «العلمأ ورثة الأنبيأ» (اصول کافی، ج ۱، ص ۳۴).

۴۲- از جمله در: رسائل محقق کرکی؛ المجموعه الاول؛ تحقیق الشیخ محمد المحصون؛ قم؛ مکتبه آیه الله مرعشی؛ ۱۴۰۹؛ ج ۱؛ ص ۱۴۲. و یا جامع المقاصد فی شرح القواعد؛ ج ۹؛ ص ۳۴؛ و ج ۱۲؛ ص ۱۶.

۴۳- اردبیلی، احمد؛ مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان؛ ج ۱۲؛ ص ۲۸.

۴۴- در مثل عواید الایام؛ تصحیح دفتر تبلیغات اسلامی؛ قم؛ دفتر تحقیقات اسلامی؛ ۱۳۷۵، ص ۵۳۰.

۴۵- در مثل رساله فی صلوة الجمعه (از رسائل محقق کرکی)؛ المجموعه الأولى؛ ص ۱۳۷-۱۷۲.

۴۶- در عواید الایام؛ قم؛ چاپ سنگی؛ ۱۴۰۸، ص ۱۸۵-۲۰۶.

۴۷- نایینی، شیخ محمدحسین؛ تنبه الامه و تنزیه المله؛ با مقدمه آیت الله طالقانی؛ تهران؛ شرکت سهامی انتشار؛ چاپ نهم؛ ۱۳۷۸.

۴۸- در تنبیه الامه و تنزیه المله (در اساس و اصول مشروطیت یا حکومت از نظر اسلام)؛ مقدمه و توضیحات از آیت الله سیدمحمد طالقانی؛ تهران؛ ۱۳۳۴ ه.ش.

۴۹- ترکمان، محمد (گردآورنده)؛ رسائل، اعلامیهها، مکتوبات... و روزنامه شیخ شهید فضل الله نوری؛ تهران؛ رسا؛ ۱۳۶۲ ه.ش.

۵۰- منتظری، حسینعلی؛ البدر الزاهر فی صلوة الجمعه والمسافر؛ تقریر مباحث؛ آیت الله بروجرودی؛ قم؛ ۱۳۶۲؛ ص ۵۲-۵۳.

قوا، حقوق مردم و مانند آن که پاسخهای فرا حوزه ادراکی فقه مرسوم را می طلبیدند و می توانستند چونان تجربه قرن هفده و هجده غرب منجر به جنبش معرفت‌شناختی نظام ادراکی معطوف به ترقی، شوند.

۵- و مرحله پنجم: دومین دوره عینیت حکومتی و تا اکنون در دو فصل به نقطه سامان‌یافتگی و نظام‌وارگی نظریه ولایت فقیه برای فهم معرفت‌شناختی آن نزدیک می شویم:

۵-۱- فصل اول: اولین دوره برآمدن اصل جمهوریت در پرداخت معرفت‌شناختی و قلمرو معنایی اندیشه ولایت فقیه

۵-۲- فصل دوم: ورود رویکرد تحقیق و توسعه‌ای در تلقی عملی از اندیشه ولایت فقیه با ابتکار رهبری معظم نظام

دو فصل مزبور به مدد آرای امام خمینی^{۵۱} و دیگر آراء تا رهبری نظام در عصر جمهوری اسلامی و در دوره‌های گوناگون تطور اندیشه‌ای آن بزرگ^{۵۲} تا تفسیرهای فقهی، کلامی و حقوقی بر این آراء، را داریم. در طول این پنج دوره نظریه‌های گوناگونی در طیفی وسیع از نظریه سلطنت مشروطه تا وکالت مالکان شخصی مشاع برآمده است که رکن مشترک همه آن آراء، در تلقی واحد از دانش مبنای مدیریت، یعنی همان اندیشه مرسوم «فقه در احکام» است. در گستره‌ای از جنبه‌های کلامی تا جنبه فقهی^{۵۳}. برخی نظریه‌های برجسته را مرور می‌کنیم:

۱- نظریه «سلطنت مشروطه» در مثل تقرير علامه محمدباقر مجلسی (م ۱۱۱۱ ق^{۵۴})

۲- نظریه «ولایت انتصابی عامه فقیهان» در مثل نظریه آیت‌الله محمد مؤمن قمی و آیت‌الله شیخ احمد آذری قمی^{۵۵}

۳- نظریه «ولایت انتصابی مطلقه فقیهان» در مثل صحیفه نور امام خمینی^{۵۶}

۴- نظریه «دولت مشروطه (با اذن و نظارت فقیهان)» در مثل «رساله حرمت مشروطه» شیخ فضل الله نوری^{۵۷}

۵- نظریه «خلافت مردم با نظارت مرجعیت» در مثل «دراسة فی سیرته و منهجه» شهید آیت الله سیدمحمدباقر صدر

۵۱- در مثل: - کشف الاسراء؛ بی تا؛

- ولایت فقیه؛ مؤسسه تنظیم نشر آثار امام خمینی؛ ۱۳۷۶

- الرسائل؛ قم؛ مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان؛ ۱۳۸۵

۵۲- از ولایت فقیه، تهران؛ مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام؛ ۱۳۷۳ تا کتاب البیع؛ قم؛ بی تا؛ ج ۲؛ ۵۲۰-۴۵۰.

۵۳- اصل ولایت فقیه مسأله‌ای کلامی است ولی از همین ولایت فقیه، در علم فقه نیز بحث می‌شود تا لوازم آن حکم کلامی، در بایدها و نبایدهای فقهی روشن شود. آیت الله جوادی آملی، عبدالله؛ ولایت فقیه - ولایت فقاقت و عدالت؛ چاپ نهم؛ ص ۱۴۳-۱۳۸۸.

۵۴- مجلسی، محمدباقر؛ مرآة العقول فی شرح اخبار الرسول؛ تحقیق سیدهاشم رسولی؛ تهران؛ ج ۱؛ ص ۱۴۹ و ۱۵۰، ۲۲۷-۲۲۱ و ج ۲، ص ۲۷۴ و ۲۷۵.

۵۵- مؤمن قمی، محمد؛ کلمات سدیدة فی مسایل جدیدة؛ ص ۲۰ و احمد آذری قمی؛ پرسش و پاسخ‌های مذهبی سیاسی و اجتماعی؛ ص ۲۰۵؛ قم؛ دارالعلم، ۱۳۷۲.

۵۶- خمینی (امام)، سید روح الله؛ صحیفه نور؛ ج ۲۰؛ ص ۱۷۰ (مورخ ۱۳۶۶/۱۰/۱۶) و نیز رجوع کنید به ص ۱۷۴.

۵۷- ترکمان، محمد (گردآورنده)؛ رسایل، اعلامیه‌ها، مکتوبات... و روزنامه شیخ شهید فضل الله نوری؛ تهران؛ رسا؛ ج ۱؛ ص ۱۱۴-۱۰۱، ۱۳۶۲هش؛ رسایل مشروطیت، به کوشش دکتر زرگری نژاد، ۱۴۷-۱۶۸.

۶- نظریه «ولایت انتخابی مقیده فقیه» در مثل «معالم الحکومه الاسلامیه» آیت الله شیخ جعفر سبحانی (۱۳۶۱ هـ ش) ۵۸

۷- نظریه «دولت انتخابی اسلامی» در مثل تقریر شهید آیت الله سید محمد باقر صدر ۵۹

۸- نظریه «وکالت مالکان شخصی مشاع» در مثل «ابتغاء الفضیله فی شرح الوسیله» آیت الله شیخ مرتضی حائری یزدی ۶۰

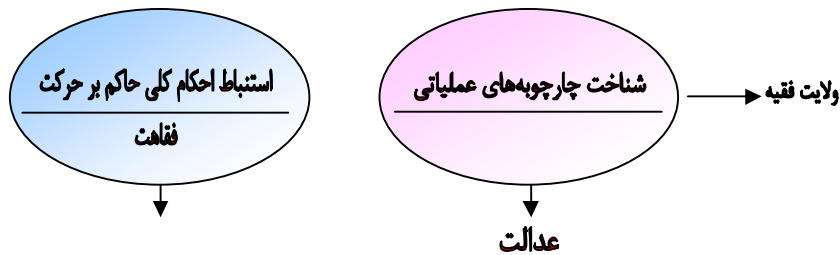
در تمام این نظریه‌ها و در تحلیل آرای یادشده، نکته‌هایی در چند فصل مشترک دیده می‌شود:

۱- تمام نظریه‌های ایدشده تفقه در احکام را مبنای پردازش اندیشه و ولایتمند تغییر - پیشرفت دیده‌اند.
 ۲- در فصل مشترک شرایط حاکم الهی در این آراء، شرط «فقاہت» لحاظ شده و «نظریه ولایت فقیه» به اعتبار همین شرط خوانده شده است.

فقاہت در همه تعاریف یعنی: «علم استنباط احکام شرعیه فرعیه عملی از ادله تفصیلیه». ۶۱ در «فقه» به دنبال حجت شرعی و مؤمن از عقاب در هر مسأله هستیم. ولایت فقیه ضمانت اسلامیت نظام است. با ولایت فقیه اطمینان می‌یابیم که هیچ خلاف شرعی در سیاست‌ها و قوانین مملکت راه نمی‌یابد. ۶۲

۳- و فقه اعم از احکام فردی و اجتماعی است. بسیاری از احکام اسلامی بدون حکومت قابل پیاده شدن نیست، لذا فقه شیعی، فقهی با مباحث حکومتی است. ۶۳

۴- و نیز اینکه مهم‌ترین شرط اداره جامعه «فقاہت» است. در تدبیر امور جامعه و برنامه‌ریزی‌های کلان اداره جامعه این فقه است که نقش اساسی را ایفا می‌کند و تصمیم نهایی را می‌گیرد. «ولی فقیه» در تنظیم امور جامعه در صورتی که صلاح بداند با متخصصان و کارشناسان و خبرگان هر فن مشورت می‌کند و نظر آنان را می‌شنود و آن‌گاه بر اساس مصلحت اسلام و مسلمین تصمیم می‌گیرد. هر تصمیم سیاسی می‌باید با مبانی فقهی سنجیده شود. ۶۴



۴- ولایت فقیه - ولایت فقاہت و عدالت است. استاد آیت الله جوادی آملی آورده‌اند:

«در منابع مرجع اندیشه ولایت فقیه، مقصود از فقیه «فقیه مجتهد جامع الشرایط» و جامع الشرایط در سه ویژگی تحلیل می‌شود: «اجتهاد مطلق»، «عدالت مطلق»، «قدرت مدیریت و استعداد رهبری». یعنی از سویی

۵۸- سبحانی، جعفر؛ معالم الحکومه اسلامیه؛ مفاهیم القرآن، ج ۲.

۵۹- محمد الحسینی، الامام الشهید السید محمد باقر الصدر؛ دراسة فی سیرته و منهجه؛ بیروت؛ ۱۴۱۰ ق، دارالفرار؛ الملحق الاول، ۳۳۵-۳۵۹.

۶۰- حائری یزدی، مرتضی؛ ابتغاء الفضیله فی شرح الوسیله؛ الجزء الاول فی المکاسب المحرمة؛ قم؛ مکتبه الطباطبائی.

۶۱- خمینی (امام)، سید روح الله؛ الرسائل، الاجتهاد و التقليد، ص ۹۶-۹۹.

۶۲- خمینی (امام)، سید روح الله؛ صحیفه نور؛ ج ۹؛ ص ۲۵۳.

۶۳- آیت الله سید محمد حسین بروجردی، البدر الزاهر فی صلوة الجمعة؛ ص ۵۲ و نیز امام خمینی؛ تهذیب الأصول؛ تقریر آیت الله سبحانی؛ ج

۳؛ ص ۱۳۶-۱۳۵ و کتاب البیع؛ ج ۲؛ ص ۴۶۱-۴۶۰.

۶۴- جوادی آملی، عبدالله؛ پیرامون وحی و رهبری؛ ص ۱۹۸-۲۰۰.

باید صدر و ساقه اسلام را به طور عمیق و با استدلال و استنباط بشناسد و از سویی دیگر، در تمام زمینه‌ها، حدود و ضوابط الهی را رعایت کند. و از هیچ‌یک تخطی و تخلف ننماید و از سوی مردم، استعداد و توانایی مدیریت و کشورداری و لوازم آن را واجد باشد. اکنون هریک از این سه ویژگی را مورد بررسی قرار می‌دهیم. بنابراین، نمی‌توان گفت هر فقیه عادل‌ی صلاحیت رهبری جامعه را دارد، بلکه باید گذشته از شرایط علمی، دارای استعداد و توانایی لازم برای اداره امت اسلامی باشد.^{۶۵}

از مجموعه نظریه‌ها و تعاریف یادشده، ساختار تحلیلی نظریه ولایت فقیه بر «نظریه فقهت و عدالت استوار است. به سخنی دیگر مدیریت تغییر بر بنیان اندیشه معطوف به تغییر شکل می‌گیرد. فقه دانشی معطوف به مدیریت تغییر دیده شده و اندیشه اجتهادی در این عرصه تحلیل می‌شود. نسبت این فضای دانشی با بخش مدیریت یک شرط عملیاتی بیرون‌معرفتی است. +

مقوله اجتهاد فقهی در همین چشم‌انداز دیده می‌شود.

۲- گشودگی تحلیلی تدریجی فصل مدیریت اجرا

در طول سالیان تجربه عینی ولایت فقیه دو اتفاق معرفت‌شناختی به تدریج در حال شکل‌گیری است:

۱- در بخش فهم و اندیشه فقه، گسترده شدن مباحث جدید فقه و برآمدن حوزه‌های مورد نیاز و

تخصصی شدن آن:

- تخصصی شدن در مباحث فقه سیاسی، فقه حقوق و ...

- برآمدن ابواب تازه‌تری مثل فقه هنر، فقه معماری و شهرسازی در ...

۲- و اتفاق وسیع‌تر در حوزه اندیشه جانبی اندیشه فقهی یعنی دانش‌های مورد نیاز تدبیر امور و عناصر

ساختاری این امر:

- مبحث اندیشه مصلحت و ساختار سازمانی مجمع تشخیص مصلحت به عنوان حوزه تخصصی

سیاست‌گذاری توسعه

- بخش مطالعات راهبردی: راهبردهای توسعه‌ای نظام، سند چشم‌انداز و ...

- بخش پژوهش‌های حوزه قانون‌گذاری: پژوهش برنامه‌ای

- پژوهش‌های اجتماعی - فرهنگی

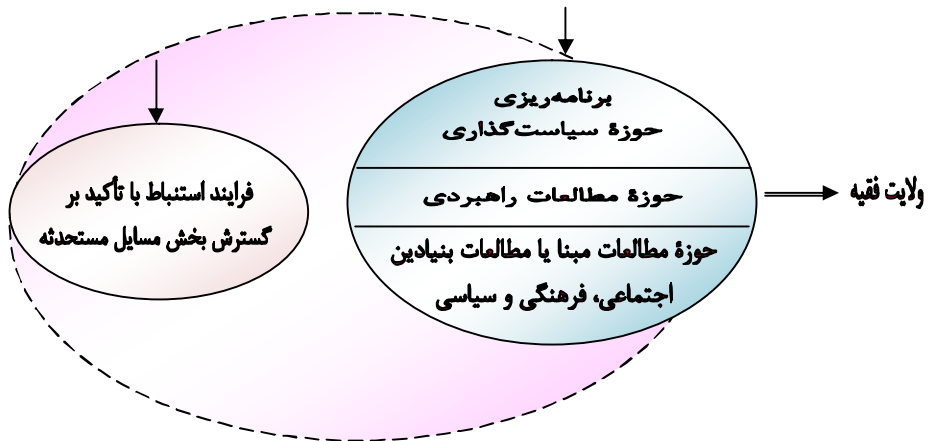
- پژوهش‌های سیاسی - امنیتی

سیستم‌نگری در دو حوزه جداگانه یادشده و به ویژه حوزه نظام، اندک اندک جدی‌تر شده است. اندیشه

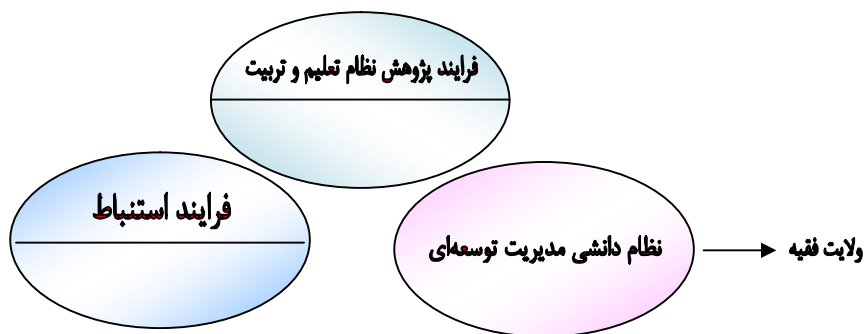
فقهت به تدریج در وجه سلبی آن در شورای نگهبان و در وجه بیان عناصر عمومی وضعیت مطلوب در افتاتات

و استفتائات فقهی، دیده می‌شود.

^{۶۵} - جوادی آملی، عبدالله؛ پیرامون وحی و رهبری؛ ص ۱۴۰-۱۳۶



فقهی حوزه دانشی جانبی دانش فقه و به تعبیری حوزه بیرون فقهی دانش مبنای مدیریت نظام جمهوری اسلامی یا دانش‌های بیرون فقهی نظام ولایت فقه - ولایت فقیه، هر روز چشمگیرتر در مجامع آکادمیک، قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری مشاهده می‌شود. قلمرو اجتهاد مبنای اندیشه مدیریت فقهی به تدریج پذیرای ناگزیر تعامل با دانش‌های بیرون فقهی بنیادین تا توسعه‌ای است. عنصر انسانی تحولات اجتماعی با رخداد بحران فرهنگی فصل تازه‌ای را نیز به این مجموعه می‌افزاید. سه پدیده بحران تفکر، بحران اخلاق و بحران هویت، عنصر معنی‌داری زندگی و نظام تعلیم و تربیت را نیز به منظومه ولایت فقیه به ناگزیر افزون‌تر می‌کنند.



به تحلیل اصل نظریه بازگردیم:

تحلیل اندیشه ولایت فقیه و داوری در باب نظریات ولایت فقیه و حکومت ولایی، هیچ‌گاه به فصل دانشی و اجتهاد فقهی آن معطوف نبوده است و در فصل ولایت آن مورد نظر و اختلاف رأی بوده و از چگونگی به ولایت رسیدن فقیه و از جنس و سطح و دامنه ولایت بحث و نظر بوده است. عرصه مدیریت کشور و نظام تولید دانش دینی هنوز به تأمل معرفت‌شناسانه در باب اصل فقه و اجتهاد فقهی وارد نشده است. حاصل آنکه دانش مبنای ولایت و مدیریت به شهادت تجربه سه دهه انقلاب اسلامی و نقد معرفت‌شناختی دانش دینی مبنای ولایت و نیز آموزه‌های دینی و نیز آخرین دستاوردهای اندیشه ترقی و گفتمان توسعه دانش‌بنیاد، نمی‌تواند فقه احکام باشد.

در کنار این مباحث دو حوزه دانشی دیگر یعنی کلام و عرفان نیز، در برخی اندیشه‌های ولایی آمده است ولی نسبت آن دو حوزه شناختی یا حوزه فقه به جز در برخی آثار محدود^{۶۶} مورد توجه قرار گرفته و خبری از منظومه معرفتی کلامی، فقهی و عرفان اندیشه ولایت و مدیریت دینی، نبوده است.

- آیا فقه اجتهادی مرسوم همان فقه اجتهادی قرآنی - حدیثی است؟ آیا فقه پژوهی قرآنی همین مشرب مرسوم است؟ اگر آموزه‌های دیگری هست کدام است؟ و اجتهادی که باید کوشای آن بود کدام است؟

- تجربه‌های سه دهه انقلاب اسلامی آیا آموزه مغفولی در این عرصه داشته است؟

پرسش اول را به بخش دوم موكول می‌کنیم و پرسش دوم اینکه آیا کاستی‌های معرفت‌شناختی فقه یا فقه‌شناختی در اندیشه مبناي نظام جمهوری اسلامی، اینک ملاحظه می‌شود:

- آیا دانش فقه چه نسبتی با منظومه کلان آموزه‌ها و دانش‌های درون‌دینی دارد؟

- دانش مبناي مدیریت تحول یا «نظریه دولت» دارای چه منظومه معرفتی است؟

- اگر دانش مبناي تحول در چارچوبه نظام علوم، تحقیقات و فناوری و نهاد ملی تولید دانش، شکل می‌گیرد، کلیت نظام و نهاد مزبور بر مبناي چه منظومه معرفتی و دانشی بایستی راهبری شوند؟

- آیا احراز عدم مخالفت با احکام شرع مقدس برای مدیریت نظام کافی است؟

- آیا حوزه‌های دانش دینی متکفل چه منظومه معرفتی برای مدیریت نظام هستند و دانش فقه در این منظومه چه جایگاهی دارد؟

کوتاه اینکه تجربه سه دهه انقلاب اسلامی نشان داده است:

- ۱- دانش مبناي مدیریت نظام و دانش محوری نظام آموزه‌های دینی، «فقه در احکام» نیست؛
- ۲- پژوهش اجتهادی در احکام، کفایت «نیاز تحقیق و توسعه‌ای نظام» را نمی‌کند؛
- ۳- فرایند موجود تولید دانش فقه نیز وافی به همه منظومه پیشین و یا مفهومی دانش فقه نیست؛
- ۴- پژوهش اجتهادی تبیین‌گر دین و بر این مبنا تفسیر و تدبیر تغییر در پژوهش استنباطی احکام رفتاری خلاصه نمی‌شود.

در عرصه جهان اندیشه و دانش معاصر دومین موج معرفت‌شناختی سررسیده است:

۱- اولین موج حوزه‌های گوناگون دانشی موضوع معرفت درجه دوم قرار می‌گیرد. «کانت» نماد این دوره آغازین است که در تکاپوی لابشرط به وی در همه حوزه‌های شناختی درون دینی و بیرون دینی، پذیرفته شده است.

۲- و در دومین موج نسبت حوزه‌های گوناگون دانشی در تعامل میان حوزه‌ای و میان‌دانشی با یکدیگر مورد بررسی و پژوهش برای راهبری قرار می‌گیرد.^{۶۷} این رخداد امروز در عرصه دانش دینی نیز رخ نموده است. نهاد حوزه دانش دینی در آستانه بازخوانی اندیشه پژوهش اجتهادی است.

۵- ساز نظام ولایت فقه به نظام ولایت فقیه

گفتمان توسعه‌ای اندیشه ترقی به آخرین قرائت خویش یعنی به گفتمان توسعه دانش‌بنیاد انجامیده است. این نگارش می‌آموزد که چگونه فرایند تولید دانش می‌تواند به دانش توسعه‌ای منجر شود. دانشی که

۶۶- ن.ک. به: ولایت فقیه، فقاقت و عدالت؛ ص ۱۳۶.

۶۷- ن.ک. از جمله به: کاپرا، فریتویف؛ پیوندهای پنهان

معطوف به مدیریت تغییر است و نیز اینکه از دانش توسعه‌ای چگونه دانش تمدنی^{۶۸} برمی‌آید. مدیریت بر بنیان دانش کارآمد برای مدیریت شکل می‌گیرد. در ادبیات این گفتگو، ولایت فقیه مبتنی بر «ولایت فقه» است. نقش عهده‌دار مدیریت را دانش مبنای مدیریت بایستی عهده‌دار باشد و کارآمدی این عهده‌داری را نشان دهد. در تجربیات معاصر دانش، نهادهای تولید دانش و از چشم‌انداز ایده مدیریت دانش^{۶۹}، عهده‌دار پرداخت چنین دانشی هستند و نظام آموزش عالی باید این کارآمدی توسعه‌ای را در نظام تولید دانش ملی راهبری نموده و تحقق بخشد. در فصل دوم می‌آموزیم که فقه احکام نمی‌تواند دانش مبنای مدیریت جامع‌نگر تغییر باشد. و این فقه جامع است که نظام ادراکی مبنا برای مدیریت تغییر است. مجموعه آموزه‌های قرآنی و روایی از سویی و دستاوردهای دانش بشری از سویی دیگر^{۷۰} نشانگر آن است که دانش جامع ناظر به مقوله تحول، ولایت دارد. به تعبیری دیگر ولایت سلوک فرد و جمع یا دانش متولی راهبری جریان رشد فردی و اجتماعی، فقه جامع است.

ولایت از آن فقه جامع است نه از آن فقه اصغر و فقیه در دین آن هم نه از منظر شخص بلکه به مثابه یک سامانه و یک سیستم جامع به ولایت می‌رسد به سخنی دیگر سامانه دانشی، سازمانی، انسانی، برنامه‌ای، بر بنیان نظام جامع ادراک تغییر یعنی تفقه‌دردین بر فرایند تدبیر تغییر و ترقی می‌تواند ولایت داشته باشد. تحقق این قابلیت در گرو پذیرش عنصر انسانی تغییر یعنی «انسان - ملت» است. فقه جامع دارای اقتدار توسعه‌ای است. و به این قرار سامانه ولایت فقیه در دین دارای اقتدار توسعه‌ای برای تدبیر تغییر است. اما فرایند گذار از نظام ولایت فقه به نظام ولایت فقیه؛ در دو مرحله اصلی شکلی می‌گیرد:

- ۱- مرحله اول: فرایند^{۷۱}، یا نظام^{۷۲} ولایت فقه شامل:
 - ۱-۱- از شکل‌گیری اولین سطح معرفت‌شناختی نظریه رشد: دانش مبنای اندیشه دولت
 - ۱-۲- تا شکل‌گیری حکمت نظری دولت یا مبانی نظری اندیشه دولت:
 - از مبانی فلسفی دینی تغییر - نظریه دولت
 - تا مبانی معرفت‌شناختی تغییر - نظریه دولت
 - تا مبانی هستی‌شناختی - انسان‌شناختی تغییر - نظریه دولت
 - ۱-۳- دو فرایند به موازات یکدیگر، اما دارای ترتب منطقی نسبت به یکدیگر
 - ۱-۳-۱- فرایند استنباط علوم مطلوب یا سیستم و نظام مطلوب تحول در سه بخش اصلی:
 - استنباط الگویی سیستم رشد فردی (خود شامل سیستم فکری، سیستم تعلیم و تربیت، سیستم اخلاقی)
 - استنباط الگو یا سیستم رشد اجتماعی (خود شامل سیستم اجتماعی، سیستم حقوقی، سیستم فرهنگی، سیستم سیاسی، سیستم اقتصادی، سیستم قضایی و سیستم جزایی)
 - الگوی مطلوب تجربه هنری (خود شامل تجربه وجودی و زبان آشکارگی)

۶۸- دانش منجر به تحولات تاریخی

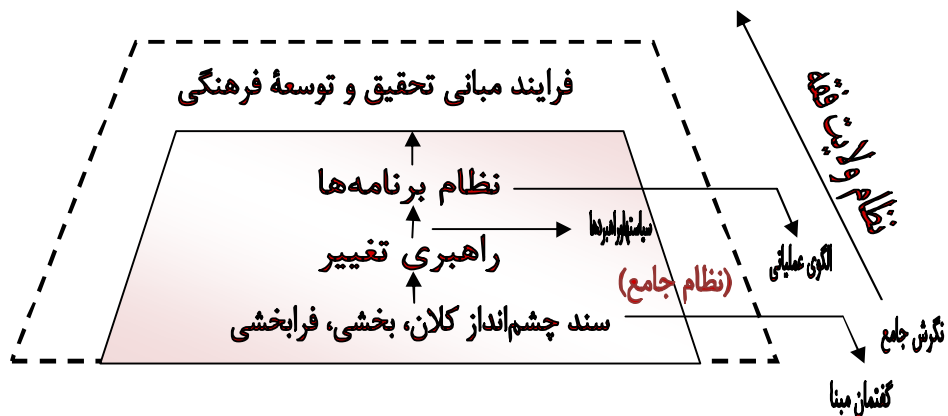
69 - Knowledge Management

۷۰- در تبیین نقش دانش حقوق در نظام جامع دانش متکفل تغییر

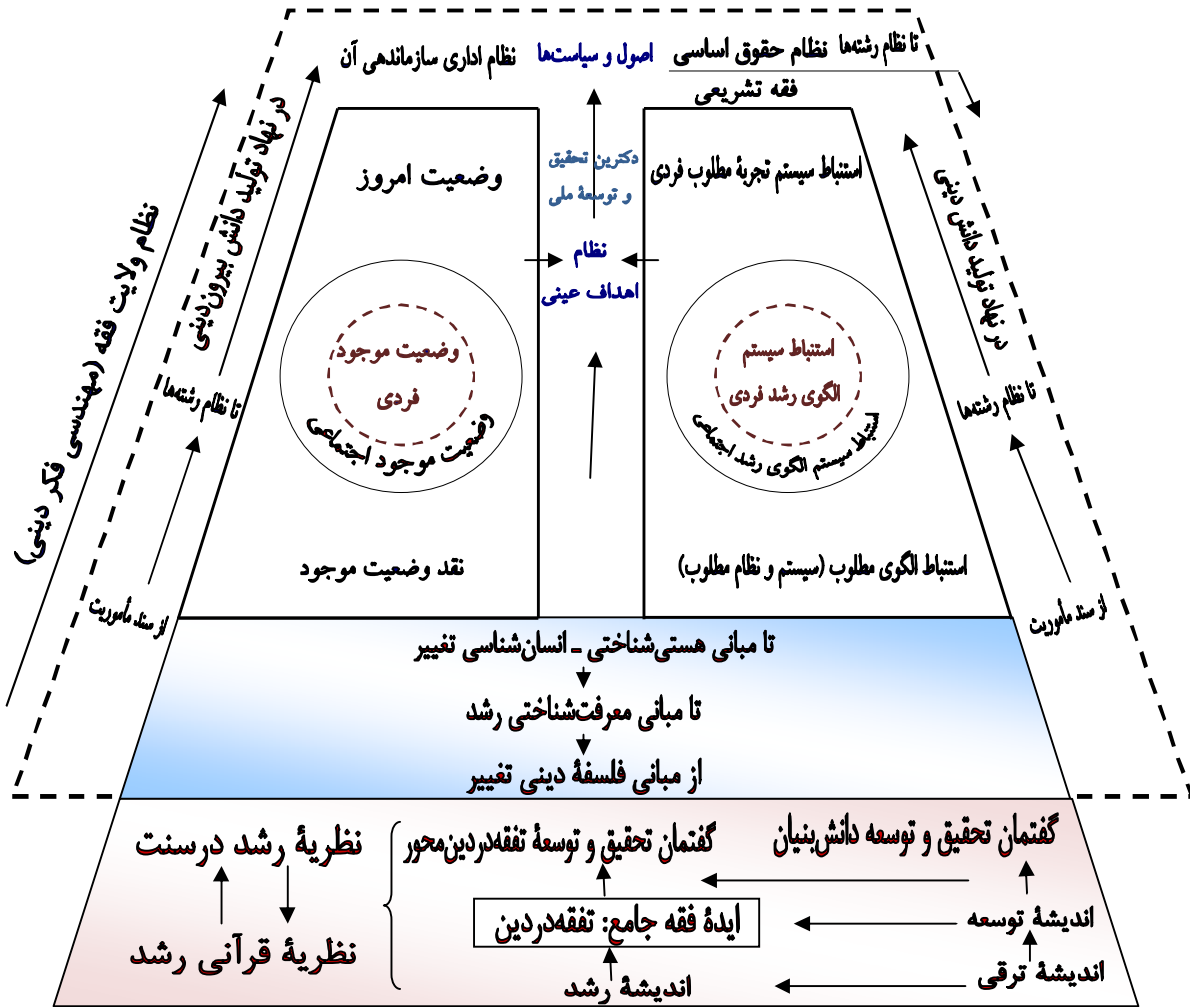
71 - Process

72 - Process

- ۱-۲-۳. فرایند تحلیل وضعیت موجود با چهار شاخصه تحلیل انتقادی قدرت‌ها و ضعف‌ها (در درون سیستم مورد بررسی) و فرصت‌ها و تهدیدها (در بیرون) سیستم مورد بررسی^{۷۳}. در سه فصل:
 - نقد وضعیت موجود انسانی: وضعیت انسانی امروز با شاخصه‌هایی چون: بحران فکر، اخلاق و هویت
 - نقد وضعیت موجود اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی
 - نقد وضعیت امروز هنر
 ۱-۴. نظام آموزش عالی متکفل تبدیل دانش‌های راهبردی تدبیر نظام به نظام رشته‌ها و دروس است. نقد تبیین جهت تولید رشته‌های مختلف دانش دینی در وضعیت موجود نشانگر آن است که نظام موجود نهاد ملی دانش (حوزه و دانشگاه) - حوزه، با همتی روشن بین عهده‌دار بازخوانی نظام رشته‌ها و دروس در راستای نظام جامع ادراک تغییر است. نقشه جامع علمی چارچوبه این عهده‌داری و بازخوانی را معین می‌کند.



مرحله دوم: و نظام ولایت فقیه، دانش بر کرسی نشسته مدیریت تغییر تولید می‌شود. بر بنیان فرایند مدیریتی دانش یا فقه جامع، فرایند مدیریت سامانه دولت تفقه‌در دین‌بنیاد شکل می‌گیرد. ولایت فقیه، ولایت فقیه فرد فقیه نیست ولایت سامانه تفقه‌در دین‌بنیاد است. سامانه‌ای شامل: دانش مبنا، منابع انسانی لازم،



سازمان مورد نیاز، نظام حقوق اساسی، گفتمان و دکترین، تحقیق و توسعه ملی، سند چشم‌انداز توسعه ملی، نظام برنامه ملی تحقیق و توسعه.

اما فرایند درونی آن:

۱-۲- پرداخت نظام اهداف عینی و عملیاتی^{۷۴}، در ترکیب الگوی مطلوب (شامل آرمان، اهداف کلان، اصول، به نظام ارزش‌ها و هنجارها) با تحلیل وضعیت موجود
 اهداف عینی = وضع موجود × نظام اهداف کلان = آرمان
 ۲-۲- پرداخت دکترین تحقیق و توسعه ملی و در راستای آن سند چشم‌انداز کلان، بخشی و فرابخشی نظام جمهوری اسلامی

۳-۲- بازخوانی مستمر نظام حقوق اساسی و نظام اداری - استخدامی

۴-۲- پرداخت سیاست‌های کلان، بخشی و فرابخشی نظام

۵-۲- پرداخت راهبردهای تغییر در گستره‌های کلان، بخشی و فرابخشی

۶-۲- تدوین نظام برنامه‌های میان‌مدت و کوتاه‌مدت

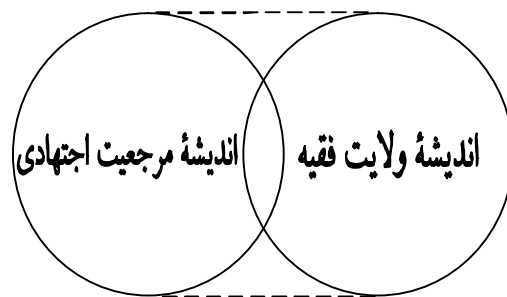
۲-۷- تربیت منابع نیروی انسانی و بازسامانی نظام مستمر سازمانی

۲-۸- بازخوانی‌های مستمر فرایندهای مدیریتی

۶- از فقه احکام به فرایند تحقیق و توسعه جامع‌نگر

انقلاب اسلامی طلیعه ظهور علم‌الاجتماعی و عینیت تحقیق و توسعه‌ای اندیشه ولایت فقیه به مثابه گفتمان علوی نظریه دولت دینی و راهبری تحقیق و توسعه‌ای دین‌شناختی در جهان معاصر، است. اندیشه مزبور پس از قرائت دوسده‌ای پس از محقق کرکی تا محقق نراقی تا محقق نایینی، در دوره معاصر در عرصه علم‌آگاهی با قرائت کلامی امام خمینی آغاز و سپس در برخی تفسیرهای فقهی، حقوقی و نیز کلامی بسط و تفصیل یافته و در عرصه عینیت تدبیر توسعه‌ای با قانون اساسی جمهوری اسلامی وارد نظام حقوق اسلامی کشور شده و با قبض و بسط‌هایی در متن اقدامات راهبردی، از منظر کارکرد تحقیق و توسعه‌ای خویش دیده شده و در راهبردهای توسعه‌ای رهبری با مباحثی چون سند چشم‌انداز توسعه در کلیت و در سرفصل‌های درونی‌تر مانند ایده نقشه جامع علمی، مهندسی فرهنگی و نقشه جامع آموزش و پرورش در پرداخت دکترین ملی تحقیق و توسعه، تبلور یافته است. فصل علم‌آگاهی و معرفت‌شناختی این نظریه همچنان بر سنت پیشین «ولایت فقه در احکام» وفادار مانده است و فصل تحقیق و توسعه‌ای نیز از شرایط و وظایف رهبری دیده شده اما همچنان در میدان «مفهوم فقهی» وارد نگردیده است.

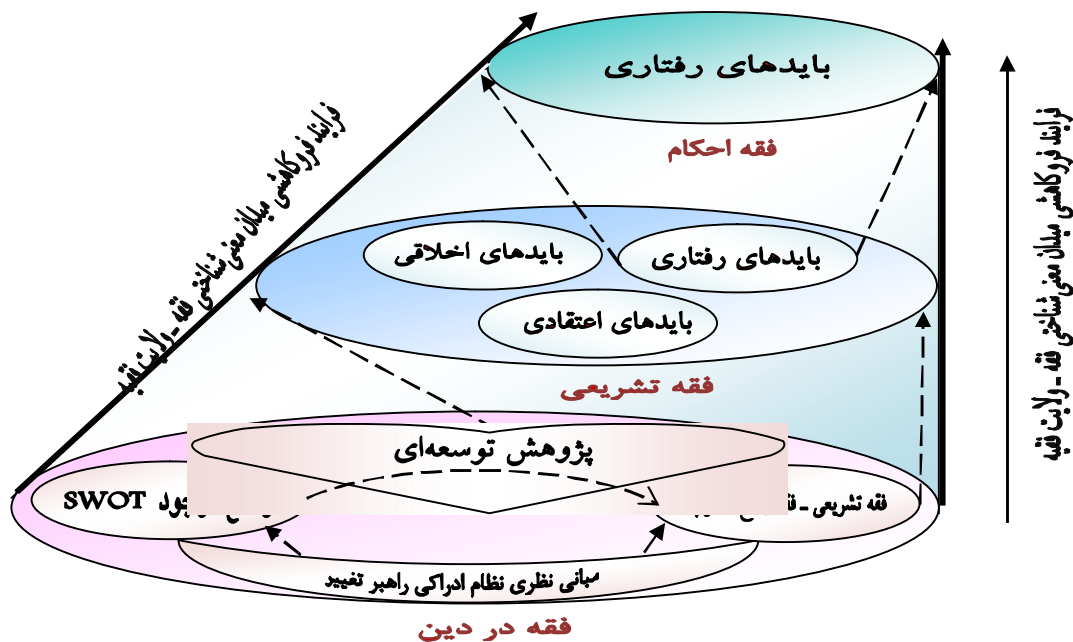
فصل مشترک این دو عرصه همان نظریه رهبری و وظایف رهبری در قانون اساسی است. در نسبت عمل یادشده در بازخوانی قانون اساسی جمهوری اسلامی با غمض نظر از شرط مرجعیت در ولایت فقیه، تنها به شرط اجتهاد ولی فقیه اکتفا گردیده است. منظر فقه‌اجتهادی، دانش استنباط قواعد کلی رفتاری حاکم بر فرایند تحول فردی - اجتماعی دیده شده است.



ورود تخصصی اندیشه تحقیق و توسعه درونزا به میدان معنی‌شناختی اندیشه فقه اجتهادی یک بهره برجسته در همین موج معرفت‌شناختی معاصر در جهان دانش ایرانی - اسلامی است. رخدادهای عملی و اجرایی در سه دهه اخیر و البته با هزینه‌هایی بسیار - به جای آنکه پرداخت آغازین تئوریک انجام پذیرفته سپس نوبت به پرداخت گفتمان مبنا در رسد و سپس به دکترین ملی تحقیق و توسعه و مبنای نظام حقوق اساسی بینجامد - فراخوان به این بازخوانی معرفت‌شناختی راهبردی است.

نگاشت ادراکی نقشه راه دانش دینی چشم‌اندازی معرفت‌شناختی در بازخوانی معرفت‌شناختی بنیان اندیشه دولت دینی و گذار از تقیید تخصیص به تقیید تخصصی اندیشه دولت دینی با اندیشه فقه اجتهادی با فصل تحقیق و توسعه‌ای اندیشه دولت است.

۷- فقه جامع و نظام تحقیق و توسعه



«تفقه در دین» فهم جامع‌نگر جریان رشد از منظر آموزه‌های دین و راهبری برنامه‌مند فرایند مزبور تا سطح خودتکاپویی درونزای منابع انسانی و نظام اجتماعی است. دانش توسعه‌ای مقصودنظر دین، بر بنیان و دراستای همین «تفقه در دین» شکل می‌گیرد. کفایت به مدد روش‌شناسی تحقیق و توسعه و روش‌شناسی مدیریت راهبردی، عنصر برنامه‌مندی را در نظام تولید دانش دینی ملحوظ داشته باشیم. به این قرار نظام مدیریت تحول حاکمیت دین‌شناختی توسعه‌ای و به تعبیری نظام مدیریت دین‌شناختی تحقیق و توسعه‌ای راهبردی دانش‌بنیاد و تفقه در دین محور، همانا «نظام ولایت فقیه» است. «نظام اندیشه‌ای» مزبور، نظام ادراکی خاستگاه برآمدن نظام دانش‌ها در جهان دینی و حاکمیت اسلامی، و خاستگاه بازخوانی نظام رشته‌ها و دانش‌ها در جامعه دینی و حاکمیت دینی و نظام آموزش عالی (نظام علوم تحقیقات و فناوری) مربوط به آن، است.

الگوی تحلیل نسبت ولایت فقه احکام با ولایت نظام جامع ادراکی تفقه در دین

پژوهش فقه جامع، نوعی پژوهش بنیادی - توسعه‌ای است و بر بنیان یک رویکرد معرفت‌شناختی (بنیادی) گفتمان دین‌شناختی اندیشه ترقی - اندیشه توسعه‌ای (پژوهش بنیادی) پیشنهاد می‌شود، تا بر بنیان آن نظام مدیریت مبتنی بر آن (پژوهش توسعه‌ای) طراحی و پیشنهاد گردد. «تفقه در دین»، شناخت نظام‌واره دین: آیین، کیش (بینش، ارزش و روش) راهبری فرایندهای تغییر و حیات پدیدارهای انسانی رو به آرمان رشد جامع‌نگر (روانشناختی، علم‌الاجتماعی و هنری) و به سخنی دیگر اندیشه معطوف به راهبری پدیدارهای انسانی - اجتماعی در مراحل معین به سوی هدف برگزیده ملت - دولت در گذار از وضعیت موجود به وضعیت رشد، است

تفقه در دین مستند توسعه درونزا، یعنی فرایند توسعه مبتنی بر قابلیت‌های درونی و منابع هویتی خویش در عین توجه به فرصت‌های بیرون سیستم، است. پدیده اقتدار: (Authority)، در میان می‌آید. اقتدار: یعنی «حق چشم‌داشت اطاعت» و به مثابه هدف نظریه‌های الزام سیاسی - یعنی اینکه چرا باید از دولت اطاعت

کنیم - است. در اصل خاستگاه مسأله، بحران در نظریه اراده قدرت^{۷۵} و بر اساس آن نظریه اقتدار^{۷۶}، تنها بی‌اعتقادی حوزه‌های قدرت نسبت به هدف اعمال قدرت و تنها یک «نیاز روانشناختی اراده قدرت» نیست بلکه پیامد یک چالش نظری است. «اقتدار» برآیند مشروعیت و کارآمدی است و متکای آن، نظام ملی تولید دانش است. اقتدار توسعه‌ای دولت - ملت در گرو اقتدار توسعه‌ای علم است. مقوله «اقتدار»، عرصه نسبت یافتن مشروعیت و کارآمدی با لحاظ هر دو مفهوم نظری و عملی (حقوقی و بالفعل) آن اصطلاح و نیز عرصه انواع متفاوت نظام‌های هنجاری است که با انواع متفاوت اقتدار به ویژه مفهوم اقتدار فرمند^{۷۷} مرتبط بوده و از این رهگذر، مراتب مبنایی اقتدار تا اقتدار مدنی یا ارگانیک را شامل می‌شود.

دانش توسعه‌ای، در همین راستا در شکل فقهی معاصر قابل انتظار است. دانش توسعه دانش دربردارنده اندیشه معطوف به آرمان ترقی در یک فضای ملی و آیینی به تناسب مبانی اندیشه‌ای و فرهنگی آن ملک و آیین در قالب یک فرایند مرحله‌ای و نظام برنامه‌ای معین، است.

گفتمان توسعه دانش بنیاد، آخرین قرائت از گفتمان توسعه‌ای اندیشه ترقی معتقد به حاجتمندی تدبیر فرایند توسعه به دانش معطوف به همین رویکرد است که در فضای آموزه‌های دین جامع، گفتمان تحقیق و توسعه تفقه‌دردین‌محور، در میان می‌آید که همانا گفتمان تحقیق و توسعه‌ای مبتنی بر نظریه «تفقه‌دردین»، با این رویکرد و نگرش که نظام ادراکی یادشده می‌تواند مضمون دانش توسعه‌ای دیده شود، است.

با همه آنچه گفتیم نگره مهندسی فکر دینی، یعنی سازماندهی بنیادنگر، روشمند، مستند، روزآمد و کارآمد فکر دینی در پاسخ به چالش‌های نوبه‌نوشونده جامعه مخاطب، برآمدنی است. و به این قرار نهاد حوزه دینی، نهاد پیشاهنگ تولید دانش برای توسعه دین شناختی، یعنی سازمان عهده‌دار نظریه‌پردازی و تولید دانش تازه به تناسب پرسش‌ها و چالش‌های نوبه‌نوشونده و آزمون‌کننده ایده‌های پیشنهادی با رویکرد تحقیق و توسعه‌ای در افق ملی، شمرده می‌شود. اینک وقت آن رسیده است که در دنیای منظم کنونی، همچنان مبحث بیع فضولی در مثل مکاسب شیخ انصاری جای طرح مسأله «ولایت فقیه» نباشد.^{۷۸} آیا بهتر نیست که مبانی حکومت اسلامی و به تعبیری «نظریه حاکمیت» از نظر شرعی و فلسفی در خاستگاه اندیشه‌ای بایسته خویش یعنی «تفقه‌دردین» و «ولایت تفقه‌دردین» و مقوله «ولایت فقیه‌دردین» قرار گرفته و در این راستا در «مبانی فلسفه فقه» نیز مطالعه شود و فقه در جایگاه بایسته خود در استنباط و اجرای احکام و قواعد طرح شده در آن رشته عمومی و مقدماتی قرار داشته باشد؟

۸- چيستی پژوهش فقهی

فرایند پژوهش جامع‌نگر قواعد کلی حاکم بر جریان پدیدار انسانی همانا «پژوهش فقهی» است، با اصول:

۱- لحاظ فرایندی شناخت اجتهادی از شکل‌گیری مبانی نظری و اندیشه‌ای تا فرایند استنباط تا دست

دهی به فرایند مهندسی تحقیق و توسعه هنر

⁷⁵ - Will to meaning

⁷⁶ - Authority

⁷⁷ - Authority Charismatic

⁷⁸ لحاظ عبارت «مکاسب محرمه»، با نظر خاص بوده است و نظر به تنها آرای شیخ انصاری رحمه‌الله نیز نبوده است و توجه انتقادی به رویکرد عنصر گرایی در وجه ایجابی نظریه ولایت فقیه (در امور حسیه و مانند آن) و تحلیل انتقادی رویکرد سلبی در تبیین ماهیت حاکمیت دینی (در مثل موسیقی و هنر) بوده است. در عین حال سپاسگزار دفت‌نظر ناقدارجمند هستیم.

- ۲- جامع‌نگری و نظام‌وارگی پژوهش در قالب یک نظام و سیستم احکام و قواعد جاری و نه صرفاً رویکرد عصری به احکام و قواعد فقهی
- ۳- پذیرای دستاوردهای تحول در مبانی معرفت‌شناختی خویش در عرصه‌هایی چون روش‌شناسی منطق سیستمی در فرایند استنباط و یا روش‌شناسی نسبت فهم فقهی با فرایند تحقیق و توسعه
- ۴- پذیرای پاسخ‌های نوبه‌نوشده در برابر پرسش‌های نوبه‌نوشونده، از جمله قانون تحول اجتهاد در نسبت با تحول زمان - مکان
- پژوهش پیش‌رو در راستای نظام اندیشگی نگارنده^{۷۹} در پرداخت اندیشه اجتهادی و در راستای آن گفتمان دین‌شناختی مدیریت تغییر، در تکاپوی پژوهش از «جریان اندیشه‌ای اجتهادی فقه جامع» با دو رویکرد برجسته است:

 - ۱- باز نمودن باب پژوهش در عرصه فقه جامع
 - ۲- جهت‌دهی «پژوهش فقه جامع» به سامان بخشی «دانش فقه جامع» و از آن به ایجاد «رشته‌های گرایش‌های فقه احکام» بر این مبنا در نظام آموزش عالی، مانند گرایش فقه سیاسی، فقه اقتصادی و فقه هنر، از گرایش کارشناسی ارشد تا دوره‌های دکتری
 - چشم‌انداز پیش‌روی پژوهش جامع‌نگر تفقه در دین، در طول سالیان آموختن و پژوهش خویش، طرح پژوهشی فقه جامع و اندیشه‌اجتهادی بر این مبنا را در چارچوب زیر در دستور تأمل و تحقیق دارد:

 - ۱- طراحی و پرداخت نظام اندیشه فقهی از مبانی معرفت‌شناختی اندیشه فقه جامع تا نظام احکام فقهی
 - ۲- استنباط مفردات احکام ابواب و بخش‌های کمتر مورد اهتمام مانند: فقه هنر در چارچوبه مبانی و نظام یادشده و پرداخت نظام‌واره آن در فرایند کلان اندیشه مزبور
 - ۳- سازماندهی گرایش‌های اندیشه فقه جامع در قالب نظام آموزش عالی (و به طور خاص یک گرایش و رشته آموزشی)
 - ۴- نشان‌دهی کارگشایی تحقیق و توسعه‌ای فقه جامع به ویژه در دو سطح نظام تعلیم و تربیت (سلوک فردی) و نظام تحقیق و توسعه ملی

 - اهتمام به اندیشه اجتهادی فقه جامع و تأکید بر ضرورت جریان بخشی آن در نظام ملی آموزش، تحقیقات و فناوری به منظور اهداف زیراست:

 - ۱- تفصیل بخشی نظام واره اندیشه دین‌شناختی ترقی یا نظام جامع ادراکی دین یا تفقه در دین (حکمت دینی)، به مثابه بنیان دانشی نظام مدیریت راهبردی تحقیق و توسعه ملی
 - ۲- مشارکت در راهبری روشمند جنبش احیای فکر دینی در عصر پیش‌رو
 - ۳- پرداخت مبنای اندیشگی گفتمان ولایت فقیه در برآیند تجربه سه دهه‌ای انقلاب اسلامی
 - ۴- نظام‌دهی دانش‌محوری مبنای ورود اندیشه دین‌شناختی تغییر به فرایند ملی تحقیق و توسعه و از این رویکرد تحقق فصلی از دغدغه درون‌زایی جریان تحقیق و توسعه ملی
 - ۵- نظام‌بخشی تفصیلی‌تر بخش دیگری از نظام اندیشه دین‌شناختی جامع در فرایند نظام آموزش عالی؛

^{۷۹} - ن.ک. به: همین قلم؛ از نقشه جامع علمی تا نظام آموزش عالی هنر؛ قم، اصفهان؛ مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه (رشد)، دانشگاه هنر اصفهان؛ ۱۳۸۸

۶- مشارکت و همراهی شایسته‌تر و اقدامی و برنامه‌ای دو نهاد ملی تولید دانش (حوزه دینی و نهاد ملی دانش (حوزه و دانشگاه)) در ایفای مأموریت ملی دانش توسعه‌ای - تمدنی

۷- تبیین علمی روش‌شناسی (چرایی و چگونگی) نظام‌دهی از سر انتخاب (اختیار خلاق) زندگی معاصر، از جمله در فرایند تحقق بخشی تمدن ایرانیاسلامی معاصر و گذار از ورطه سکولاریستی حاکم بر بخش عمده ای از نظام مدیریت و آموزش عالی.

نتایج این بازخوانی

گذار به گفتمان فقه جامع اجتهادی، آثار و نتایج معرفت‌شناختی - تحقیق و توسعه‌ای، چندی خواهد داشت. برخی از برجسته‌ترین آنها:

۱- گذار معرفت‌شناختی به اندیشه بنیان فکر دینی یا اندیشه ترقی - اندیشه رشد یا اندیشه راهبر تغییر

۲- تمهید مفصل نسبت نظر و عمل دینی در سطح تدبیر تحقیق و توسعه‌ای دین‌شناختی یک نظام اجتماعی

۳- بازخوانی جایگاه معرفت‌شناختی فقه در احکام

۴- گذار به بازخوانی و بازتعریف اندیشه ولایت دانش - ولایت فقه از ولایت فقه در احکام به ولایت فقه در

دین

۵- گذار به بازخوانی و بازتعریف اندیشه ولایت نهاد تولید دانش دینی از ولایت فقیه در احکام به ولایت

فقیه در دین

۶- تحقق عینی نظام جامع اجتهادی تدبیر توسعه‌ای یا الگوی پیشرفت ایرانی - اسلامی

۷- شکل‌گیری گرایش تخصصی اندیشه مرجعیت

۸- فراهم‌سازی زمینه بازخوانی علوم انسانی و تمهید زمینه معرفت‌شناختی ورود میان‌رشته‌ای‌های

اندیشه دینی، علوم انسانی و هنر

۹- فراهم‌سازی اندیشه متدولوژیک کارآمد برای جریان در نظام علوم، تحقیقات و فناوری کشور

۱۰- فراهم‌سازی زمینه اندیشه‌ای ورود به پرداخت گفتمان تحقیق توسعه درونزا و دکتترین تحقیق و

توسعه ملی نظام جمهوری اسلامی

۱۱- زمینه‌سازی ورود به بازپرداخت نظام حقوق اسلامی و تئوری نظام جمهوری اسلامی

۱۲- ورود روشمند به قانون و متدولوژی تحول اجتهاد

۱۳- مهیاداری خاستگاه روشمند بازخوانی نظام آموزش و نظام تحقیقات حوزه‌های دانش دینی

۱۴- ورود به دوره تازه‌فهم تفسیری از منابع به دوره نظریه قرآن رشد و توسعه

۱۵- مهیاداری قرائت علوی دانش تمدنی و نهادهای ملی تمدن‌ساز دانشی

منابع و مأخذ

قرآن کریم

نهج البلاغه

آکوچکیان، احمد، اندیشه تحول خلاق در مز میان‌رشته‌های زیست‌شناسی، علوم انسانی و هنر؛ تهران؛ مرز تحقیقات

سیاست علمی؛ ۱۳۸۸

- آکوچکیان، احمد؛ از نقشه جامع علمی تا نظام آموزش عالی هنر؛ قم، اصفهان؛ مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه (رشد)، دانشگاه هنر اصفهان؛ ۱۳۸۸
- آکوچکیان؛ احمد؛ تحول خلاق؛ تهران؛ مرکز سیاست علمی کشور؛ ۱۳۸۸
- آذری قمی؛ احمد؛ پرسش و پاسخ‌های مذهبی سیاسی و اجتماعی؛ ص ۲۰۵؛ قم؛ دارالعلم، ۱۳۷۲.
- خمینی (امام)، سید روح الله؛ الرسائل، الاجتهاد و التقليد.
- اردبیلی، احمد؛ مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان؛ ج ۱۲.
- برجی، یعقوبعلی؛ ولایت فقیه در اندیشه فقیهان؛ تهران؛ دانشگاه امام صادق، انتشارات سمت؛ ۱۳۸۵
- بروجردی؛ سیدمحمدحسین، البدر الزاهر فی صلوٰه الجمعه.
- پولارد، سیدنی؛ اندیشه ترقی؛ ترجمه حسین اسدپور پیرانفر؛ تهران؛ انتشارات امیرکبیر؛ ۱۳۵۴
- ترکمان، محمد (گردآورنده)؛ رسایل، اعلامیه‌ها، مکتوبات.
- جوادی آملی، عبدالله؛ ولایت فقیه - ولایت فقاہت و عدالت؛ چاپ نهم؛ ۱۳۸۸.
- الحسینی، محمد؛ الامام الشہید السیدمحمد باقر الصدر؛ درسه فی سیرته و منهجه؛ بیروت؛ ۱۴۱۰ ق، دارالفرار؛ الملحق الاول.
- حرعاملی؛ محمد بن حسن؛ وسائل الشیعه؛ ج ۲۷.
- حائری یزدی، مرتضی؛ ابتغاء الفضیلة فی شرح الوسیله؛ الجزء الاول فی المکاسب المحرمه؛ قم؛ مکتبه الطباطبایی.
- خمینی؛ روح الله؛ تهذیب الأصول؛ تقریر آیت الله سبحانی؛ ج ۳؛ ص ۱۳۶-۱۳۵ و کتاب البیع؛ ج ۲؛ ص ۴۶۱-۴۶۰.
- خمینی (امام)، سید روح الله؛ صحیفه نور؛ ج ۲۰؛ (مورخ ۱۳۶۶/۱۰/۱۶)
- خمینی، روح الله؛ کتاب البیع؛ قم؛ بی تا؛ ج ۲.
- خمینی، روح الله؛ ولایت فقیه، تهران؛ مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام؛ ۱۳۷۳.
- خامنہ‌ای، سید علی؛ ضرورت الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت؛ انتشارات معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی؛ ۱۳۸۸.
- روزنامه شیخ شهید فضل الله نوری؛ تهران؛ رسا؛ ج ۱؛ ۱۳۶۲ ه.ش.
- زرگری نژاد؛ رسائل مشروطیت، ۱۶۸-۱۴۷.
- سبحانی، جعفر؛ معالم الحکومه اسلامیة؛ مفاهیم القرآن، ج ۲.
- صدرالمآلهین، محمد؛ شرح اصول کافی.
- کدیور، جمیله؛ تحول گفتمان سیاسی شیعه در ایران؛ تهران؛ انتشارات طرح نو؛ ۱۳۷۹
- کدیور، محسن؛ نظریه‌های دولت در فقه شیعه؛ تهران؛ نشر نی؛ چاپ دوم؛ ۱۳۷۷
- کاپرا، فریتیفوف؛ پیوندهای پنهان؛ ترجمه محمد حریری اکبری؛ تهران؛ نشر نی.
- کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب؛ الکافی، ج ۲.
- کراجکی، ابوالفتح؛ کنزالفوائد؛ ج ۲؛ ص ۱۰۸؛ قم؛ انتشارات دارالذخائر؛ ۱۴۱۰
- مجلسی؛ محمد باقر؛ بحار الانوار؛ ج ۱؛ ص ۱۷۷ بیروت؛ الوفاء؛ ۱۴۰۴
- محقق کرکی؛ رسائل، المجموعه الاول؛ تحقیق الشیخ محمد المحصن؛ قم؛ مکتبه آیه الله مرعشی؛ ۱۴۰۹؛ ج ۱
- محقق کرکی؛ جامع المقاصد فی شرح القواعد؛ ج ۹ و ۱۲.
- محقق کرکی؛ رساله فی صلوٰه الجمعه؛ المجموعه الأولى.
- مجلسی، محمدباقر؛ مرآة العقول فی شرح اخبار الرسول؛ تحقیق سیدهاشم رسولی؛ تهران؛ ج ۱ و ۲۴.
- مؤمن قمی، محمد؛ کلمات سدیدة فی مسایل جدیدة.
- منتظری، حسینعلی؛ البدر الزاهر فی صلوٰه الجمعه والمسافر؛ تقریر مباحث؛ آیت الله بروجردی؛ قم؛ ۱۳۶۲؛

دوین کتفانس الکومی اسلامی ایرانی پیشرفت: مفاهیم، مبانی و ارکان پیشرفت؛ اردیبهشت ۱۳۹۲

نائینی؛ تنبیه الأمة و تنزیه الملة (در اساس و اصول مشروطیت یا حکومت از نظر اسلام)؛ مقدمه و توضیحات از آیت الله سید محمود طالقانی؛ تهران، ۱۳۳۴ ه.ش.

نایینی، شیخ محمدحسین؛ تنبیه الامة و تنزیه الملة؛ با مقدمه آیت الله طالقانی؛ تهران؛ شرکت سهامی انتشار؛ چاپ نهم؛ ۱۳۷۸

نراقی؛ ملاحظه؛ عواید الایام؛ تصحیح دفتر تبلیغات اسلامی؛ قم؛ دفتر تحقیقات اسلامی؛ ۱۳۷۵.